



اصفهان بارها قبل از عظمت خود در زمان صفویه توسط حکام و فرمانروایان سلسله‌های گوناگون حاکم در ایران بعنوان پایتخت و مرکز حکومت برگزیده شده و بخاطر موقعیت مکانی و سوق الجیشی قرارگیری در مرکز ایران و جمعیت زیاد و زمین بارور و در نتیجه مالیات بسیار همیشه مورد توجه شاهان بوده است و اگر پایتخت نیز نبوده ایالتی عمده محسوب می‌گردیده ، بدین جهت است که از زمان پیش از اسلام و سپس در صدر اسلام تا دوران معاصر اغلب شیوه‌های معماری ایران را همچون جنگی بیانگر در خود جای داده است .

در دوران گورکانیان ، تیمور نخستین حکمران این خاندان ، شهر سمرقند را بعنوان پایتخت خود برگزید و در سال ۸۰۸ هجری در پایتختش درگذشت و در همین شهر بخاک سپرده شد . سپس مرکز حکمرانی توسط شاهرخ جانشین وی به هرات منتقل گردید و او حکومت سمرقند را به پسرش الغ بیگ و حکومت خراسان را به پسر دیگرش بایسنقر واگذار کرد . بنابراین میتوان گفت که در این دوره توجه به آبادانی شهرها بیشتر در همان منطقه و یانواحی شمالی ایران که دسترسی به آن مقدورتر بوده متمرکز گشته است ، که این نیز بعلمت درگیری در کشمکشها و جنگهایی بود که خاندان تیموری را هرگز راحت نگذاشت ، چه در زمان خود تیمور که ادعای جهانگیری داشت و چه در زمان جانشینان وی که جنگ بر سر گرفته‌های او بود و سایر نواحی ایران جز همان قسمتهای شمالی دچار هرج و مرج بوده و تا شروع دولت صفوی سلسله‌های مختلفی جز نوادگان تیمور در نواحی مختلف ایران حکومت داشتند ، مانند قراقویونلو ، و آق قویونلو و شیبااییان .

اما بهر حال میتوان در قسمتهای دیگر ایران جز شمال آن نیز بناهایی را دید که بیانگر شیوه معماری این دوران باشد ، از جمله در شهر اصفهان ، اگر چه تعداد این بناها در این شهر به شمار کمتری از انگشتان دست باشد .

یکی از این بناها به احتمال ، تالار یا عمارت تیموری است . این

دست یابی به سرگذشت یک اثر تاریخی از طریق جستجو در منابع و متون مدون موجود و تجزیه و تحلیل آن معمولاً " اولین مرحله کار هر کاوش علمی را تشکیل داده فی نفسه بخش اساسی از برخورد غیر مستقیم با اثر بشمار می‌آید و مبنائی است برای جستجوگریهای بعد و برخورد مستقیم با آن .

قسمت اعظم مطالب مقاله حاضر پژوهشی است در منابع تاریخی بمنظور روشن کردن دوره یا دوره‌های تاریخی ساختمانی بنام تالار تیموری ، واقع در مرکز تاریخی شهر اصفهان ، که تاکنون بحث اساسی درباره آن ، بدینسان که خانم باباشاهی عرضه کرده است انجام نشده است . وی در بقیه مقال خواسته است که این پژوهش را با یافته‌های خود که در گمانه زنی‌های بخش شمال شرقی ساختمان بدست آورده است ، تاحد میسر محقق سازد . هر چند وسعت کاوش بعلمت محدودیتها ، بسیار اندک و یافته‌ها کافی بمقصود نبوده است .

بهر حال آنچه که ارائه میشود آغازیست خوب برای جستجوگریهای بعدی در زمینه‌های ناشناخته ارزشهای تاریخی ، معماری ، هنری ، ساختمانی و سازه‌ای این بنای مهم و استثنائی دوره اسلامی کشورمان .

بررسی منابع تاریخی

در مورد

بنای تالار تیموری

(کاوشهای تابستان ۱۳۶۰ دفتر فنی اصفهان)

مریم باباشاهی

بنا با آنکه در طی سالهای شکل و کاربرد اصلی خود را از دست داده ، لیکن هنوز هم بنام تیموری خوانده میشود .

شاید تالار تیموری تنها بنایی باشد که در مجموعه سلطنتی صفوی اصفهان از شکل اصلی و ابتدایی منطقه‌ای که این بناها در دوران صفوی در آن ساخته شده ، باقی مانده باشد .

پیش از آن که یکایک بناهای صفوی در باغ‌نقش جهان که قدمتی بسیار کهن ندارد ، جایگزین گردند ، تیمور در هنگام یورشهای خود و نوادگانش که در اصفهان حکومتی داشته‌اند ، این منطقه خوش آب و هوا را در اصفهان جهت سکونت انتخاب می‌نمایند و شاه اسماعیل اول صفوی نیز به آنها تاسی جسته در هنگام مسافرت‌هایی که به اصفهان داشته در این قسمت شهرسکنی می‌گزیند و سپس همین منطقه از اصفهان است که توسط جانشین او گسترش یافته و بناهای بسیاری در آن ساخته میشود و بصورت محله سلطنتی سلسله صفویه در می‌آید و تالار تیموری نیز که در میان این محله قرار داشته جهت حوائجی دیگر مورد استفاده قرار می‌گیرد .

بهر حال جای توضیح بسیار نیست چه در مقاله‌ای که پیامدین پیشگفتار خواهد آمد سعی شده این تغییرات با استفاده از منابع نوشته شده و مشاهدات تا حدودی شکوفا گردد .

در این مقاله ابتدا سعی شده است سابقه تاریخی و دیگر گونیه‌های کاربردی بنای مزبور از زمانی که احتمال پیدایش آن می‌رود ، تا کنون مورد بررسی قرار می‌گیرد و سپس تاریخ این پدایش و تغییرات بعدی ، توسط اشیائی که در حفاریات جبهه شمالی این ساختمان یافت شده ، تا حدودی مشخص گردد که البته این دو مبحث منافاتی با یکدیگر نداشته و هر دوی به یک نتیجه منتهی میگردد . و نیز لازم به تذکر است که این مقاله هرگز ادعائی جهت ثبوت قطعی تاریخ بنا را نداشته و این امر پس از کاوش کامل در تمام جهت بنا عملی خواهد شد چه متاسفانه دسترسی به سایر قسمت‌ها مقدور نبوده و شاید این کار با در نظر گرفتن مساحت حفاریات نسبت به وسعت بنای تالار تیموری مقدّمه‌ای باشد جهت تحقیقات بعدی . تا چه قبول افتد و چه در نظر آید .

الف: دورانه‌های مختلف ساختمانی

دوره‌های ساختمانی بنای تالار تیموری چندان آشکار نیست ، لیکن با در نظر گرفتن پاره‌ای از منابع تاریخی و مشاهداتی که در محل‌بدان دست یازیده شد ، می‌توان دوره‌هایی را ذکر نمود که بعضی باعلامت سؤال و برخی بایقین بیشتر مورد بررسی قرار خواهد گرفت .

بطور کلی گمان میرود اصل معماری این بنا در دو دوره قبل ، از صفوی و دوره صفوی انجام یافته باشد یعنی اساس بنای مزبور احتمالاً " در زمان تیموریان انجام پذیرفته و سپس در هنگام حکومت خاندان صفوی و بعد از آن تغییراتی کلی بدان راه یافته ، الحاقاتی اضافه گشته و یا قسمتهائی از این بنا کاسته شده ، بنابراین مبدا احداث ساختمان از دوران تیموری در نظر گرفته شده با ذکر این مطلب که بعلت عدم امکانات کاوش بیشتر در سراسر بنا (۱) ، نمی‌توان این طبقه بندی را قطعی تصور نمود چرا که اگر ساخت اولیه بنا پس از انجام حفاریات به تیموری بودن آن منجر گردد احتمال دارد که بتوان آنرا تا دوره سلجوقی نیز عقب برد ، لیکن اگر چه منابع تاریخی اندکی که ذکری از این ساختمان کرده است جز یکی دو مورد موید این احتمال نیست ، اما بسیاری از بناهای ایلخانی و تیموری بر روی بنیان سلجوقی ساخته شده ، بخصوص که باغسازی و ایجاد فضاهای سبز در تمام طول تاریخ ایران سابقه‌ای کهن دارد و اغلب نیز کوشک‌هایی در این باغها وجود داشته و چون بنای مورد نظر نیز یکی از قدیمیترین بناهای باغ نقش جهان می‌باشد ، شاید این احتمال در مورد آن نیز صدق نماید ، اما از مطلب دور نشده و به احتمالات نمی‌پردازیم و تنها به ذکر این نکته بسنده می‌شود که ساخت این بنا احتمالاً قبل از دوران صفویه انجام پذیرفته است .

دوره‌های ساختمانی این بنا طبق منابع تاریخی مورد بررسی به پنج دوره تقسیم میشود .

۱- تیموری

احتمال احداث این بنا در اوایل دوران تیموری وجود دارد و باید بعد از تسخیر اصفهان بدست تیمور و پس از یورش سه ساله وی انجام شده باشد، یعنی هنگامیکه تیمور حکامی از جانب خود به اداره اصفهان مامور نمود.

۲- قرة قویونلو

امکان ساخت این بنا توسط سلسله هائی که در فاصله از میان رفتن تیموریان تا روی کار آمدن دولت صفویه سلطنت کرده‌اند نیز وجود دارد.

۳- صفوی

دخل و تصرفات صفوی در این بنا قطعی و به رای العین قابل دیدنست، بخصوص که در این زمان میدانی نیز در مقابل آن احداث گردیده، اما اینکه از چه تاریخی از بنای مزبور در منابع تاریخی ذکری وجود دارد، اینجا تنها به بیان این نکته اکتفا میشود که از زمان شاه سلیمان صفوی دقیقاً "از آن نام برده شده و باقی توضیحات به بعد موکول می‌گردد.

۴- قاجاری

الحاقت و تعمیرات قاجاری نیز در این بنا دیده میشود و ظل السلطان آنجا را تعمیر و محل سرباز و لشکر قرار داده است.

۵- پهلوی

در این دوره بنای مزبور همچنان مورد استفاده بوده است و قسمتی از آن بعنوان اصطبل استفاده شده و در سال ۱۳۲۷ از طرف فرمانده لشکر اصفهان تعمیر و بصورت باشگاه افسران در آمده است (۲).

۶- پس از انقلاب

پس از پیروزی انقلاب اسلامی در این بنا تغییرات چندانی صورت نگرفته جز آن که بعلت خرابی سالهای قبل، دیگر بعنوان باشگاه افسران از آن استفاده نشده و قسمت شمالی بنا که بیشتر صدمه دیده فعلاً "برای مرمت در اختیار دفتر فنی سازمان حفاظت آثار

باستانی در اصفهان قرار گرفته است.

ب: تاریخچه بنا و کاربرد آن در دوره‌های مختلف تاریخی

برای روشن شدن تاریخ این بنا ذکر مختصری از تاریخ تسخیر اصفهان بدست تیمور و نتایج آن ناگزیر می‌باشد.
آندره گدار بطور مختصر وقایع قبل از حمله تیمور را چنین می‌نویسد:

" در اواسط قرن هشتم هجری سال ۷۵۷ مبارزالدین محمد آل مظفر اصفهان را از تصرف امیر ابواسحق بن محمود شاه اینجو خارج ساخت و پس از آن امیر تیمور در آخر همان قرن این شهر را فتح نمود (۳). "

یورش سه ساله تیمور که فتح اصفهان نیز در همین جنگ انجام گرفت از سال ۷۸۸ ه. ق آغاز شده و تسخیر اصفهان در سال ۷۸۹ ه. ق بوقوع پیوست.

در مورد علت حمله تیمور به اصفهان مورخین معتقدند که در سال ۷۸۶ ه. ق شاه شجاع آل مظفر در موقع مرگ چون پیشروی تیمور را ملاحظه نمود سه پسرش را طلبیده و به آرامش پس از فوت خود تشویق کرد و سلطان زین العابدین را به ولیعهدی برگزیده نامهای در این مورد به تیمور نوشت.

در ابتدای یورش سه ساله تیمور بر طبق وصیت شاه شجاع نامه‌ای به سلطان زین العابدین نوشت و او را بخدمت خویش خواند اما شخص مذکور این دعوت را رد کرد و فرستاده تیمور را اجازه بازگشت نداد، تیمور نیز خشمگین و به منظور تنبیه‌ی عازم اصفهان شد. باقی وقایع را بهتر است از قول شرف الدین علی یزدی (۴) نقل نمائیم:

" چون ظاهر شهر اصفهان محل نزول همایون گشت سید مظفر کاشی که خال سلطان زین العابدین بود و از قبل او حاکم اصفهان با خواجه رکن الدین صاعد و سایر سادات و علما و اکابر و اشراف از راه استیمان و استعطاف از شهر بیرون آمدند و بشرف بساطبوس فایز گشته و بعواطف و مراحم پادشاهانه مفتخر و سرافراز شدند

و عساکرگردون مآثر اطراف و جوانب شهر را فرو گرفتند و صاحب قران کامگار بشهر در آمد و طبرک (۵) را بفر قدوم همایون رشگ حصار فیروزه کار ، ظارم چهارم سپهر گردانید .

قلعه را احتیاط فرمود و بضبط قلعه فرمان داد و بسعادت و اقبال بیرون آمده بمنزل مبارک معاودت نمود و در هر دروازه جمعی از لشکریان را بضبط و محافظت آن نصب فرمود یرلیغ لازم الاتباع بنفاد پیوست که در تمام شهر از اسپ و اسلحه هر چه باشد بخدمت سپارند و فرمان صادر شد که محلات را برامراقست کرده ، هر امیری از مردم خود کسی بتحصیل فرستد (۶) .
در این هنگام یکی از دلاوران اصفهان که ننگ مزبور به او گران آمده بود ، فکری اندیشید .

شرف الدین از او بعنوان یکی از " جهال رساتیق " نام می برد لیکن ابن عربشاه وی و طرفدارانش را مردمی می داند که " شیوه حمیت داشتند و مرگ را بدان زبونی و خواری ترجیح دادند . " شرف الدین علی یزدی در ادامه ماجرا می نویسد :

" یکی از جهال رساتیق اصفهان که او را علی کچه پا گفتندی و از طهران آهنگران بود ، در اندرون شهر دهلی زد و وحشی از اشرار جمع شدند و دست بی باکی بر آورده ، گرد محلات برآمدند و اکثر محصلان را بکشتند مگر در چند محله که عقلی و وجودی داشتند و محصلان خود را از شر آن مفسدان محافظت نمودند و بسیاری از لشکریان که جهت مهمات خود بشهر در آمده بودند آن شب عرضه تلف گشتند و آن جاهلان بی خرد بی باک به دروازه ها شتافتند و از جمعی که بمحافظت آن قیام می نمودند باز گرفتند و بنیاد یاغی گری نهادند ، روز دیگر چون کیفیت واقعه بسمع مبارک صاحب قرانی رسانیدند ، آتش خشم جهان سوزش زبانه زدن گرفت و شهر مسخر شد بقتل عام و انواع عقوبت و انتقام فرمان داد . و بعضی مردم زیرک که لشکریان را بادب نگاه داشته بودند و از آسیب تعرض آن جاهلان بی باک صیانت نموده ، خانهای ایشان بسلامت

بماند و یرلیغ شهنه قهر نفاذ یافت که تومانات و هزارجات و صدحات سرکشتگان به حصه و رسد بسیارند و جهت ضبط آن تواجیان علیحده بنهادند و از ثقات استماع رفته که بعضی لشکریان که نمی خواستند خود مباشر قتل شوند ، سراز یاساقیان می خریدند و می سپردند و در اوایل حال سری به بیست دینار کپکی بود و در اواخر که هر کس حصه خود سپرده بودند یک سر به نیم دینار آمده بود و کس نمی خرید و همچنان هر کس را می یافتند می کشتند (۷) . "

مورخ دیگری نیز این وقایع را در کتاب خود ضبط نموده وی ابن عربشاه نام دارد که در قرن نهم می زیسته و کتاب خود را در سال ۸۴۰ ه . ق تالیف نموده ، عمده مطالب وی نیز شبیه همان است که شرف الدین علی یزدی بیان داشته لیکن وی لحن ملایمتری داشته و واقع بین تر می باشد . بهر حال ابن عربشاه در پایان سخن خود آماری از کشتگان لشکر تیمور و کشتگان مردم به قصاص این ماجرا را می آورد که ذکر آن بی مناسبت نیست .

در مورد لشکریان می نویسد : " مردم شهر شش هزار تن از آنان را بکشتند (۸) . " و در ادامه می افزاید که " چون تیمور مانند سگ گزنده یا پلنگ درنده بشهر در آمد ، بفرمود تا جانها تپاه سازند و خونها بریزند و با پردگیان در آویزند ، زندگان را بدست مرگ سپارند و مالها بیغما ربایند ، آبادیها ویران کنند و کشتها بسوزند و شمار کشتگان از امت یونس بن متی شش برابر بگذشت (امت یونس در قرآن مجید یکصد هزار گفته شده و ارسلناه الی مائه الف و یزیدون سوره الصافات ۳۷/۱۴۷) (۹) . " پس از این قتل عام ششصد هزار نفری که گذار آنرا دویست هزارتن (۱۰) و رنه گروسه مناره هایی مرکب از هفتاد هزار سر می نویسد (۱۱) بقول خواند میر " چون از قتل و غارت آن ولایت فارغ شد عنان باره جهان نورد بصوب شیراز تاخت (۱۲) . " تیمور حکامی از جانب خود در اصفهان می گذارد لیکن در هنگام مراجعت از شیراز حکومت فارس و عراق را مجدداً " به آل مظفر

می‌سپارد و " اصفهان را بسطان محمد پسر بزرگ شاه یحیی . . . برسم سیور غال کرامت فرمود (۱۳) . "

پس از این ماجرا هنگامیکه تیمور یورش پنج ساله خود را آغاز می‌کند بعلت اختلافاتی که بین آل مظفر رخ داده بود مجدداً به اصفهان می‌آید و با شاه منصور که نافرمانی کرده بود جنگیده و شخص مذکور توسط شاه‌رخ کشته میشود سپس تیمور حکومت اصفهان را به محمد سلطان میدهد .

" روز جمعه بیست و هفتم جمادی الاخر حضرت صاحبقران از شیراز نهضت فرموده بسعادت و اقبال بجانب اصفهان روان شد و در روز پنجشنبه دهم رجب به اصفهان رسید محمد سلطان برسم استقبال قیام نموده بسعادت بساطبوس استسعاد یافت و پیشکشهای پادشاهانه کشید صاحبقران گیتی ستان پنج روز در نقش جهان (۱۴) اصفهان توقف نموده روز سه‌شنبه پانزدهم رجب از آنجا بمبارکی نهضت فرمود (۱۵) . " خواند میر در کتاب حبیب السیر می‌نویسد .

" در حین فوت صاحبقران ممالکستان امیر تیمور گورگان میرزا پیر محمد بن عمر شیخ به دارالملک شیراز استیلا داشت و برادرش میرزا رستم در اصفهان حکومت مینمود (۱۶) . " و حاج میرزا حسن حسینی فسائی نیز در مورد واگذاری حکومت اصفهان به میرزا رستم می‌نویسد .

بفرموده صاحبقران امیر تیمور گورگان امیرزاده رستم که از شیراز مامور برفتن یاردوی اعلی بود در منزل خوانسار با برادر بزرگ خود امیرزاده پیر محمد ملاقات کرد و هر یک رو توجه بمقصود خود نهادند پس در بین راه فرمان ایالت و حکمرانی اصفهان برای امیرزاده رستم رسیده عازم اصفهان گردید (۱۷) . " بنابراین باتوجه به مطالب فوق در هنگام مرگ تیمور ، رستم بن عمر شیخ نواده او حاکم اصفهان بوده و پس از این واقعه وبه سلطنت رسیدن شاهرخ ، برادر بزرگ، میرزا پیرمحمد حاکم شیراز از جانب خود و دو برادر دیگر که حاکم اصفهان و همدان بودند

نامه‌ای به شاهرخ می‌نویسد که مضمون آن در این شعر میرزا حسن فسائی قابل درک می‌باشد :

" همه بندگانیم شهرخ پرست

من ورستم واسکندر و هر که هست (۱۸) "

می‌توان تصور نمود که رستم در محل ویا در جوار باغ نقش جهان که جایی مصفا و زیبا بوده و قبلاً " نیز مورد استفاده حکام قرار می‌گرفته بنایی را بعنوان مقر حکومت خویش بنیاد می‌نهد که یا بر روی بقایای ساختمان قدیمی تر و یا از بنیان در همین زمان ساخته شده است .

در کتاب آثار ملی اصفهان از قول مولف تاریخچه ابنیه تاریخی شرحی در مورد قدیمی بودن باغ نقش جهان واحداث تالار تیموری آمده است : " این بنا از آثار زمان تیمور لنگ است که پس از قشونکشی بایران و قتل و غارتی که نمود از لحاظ ذوق هنری که داشت دستور ساختمان این بنای رفیع را در مجاور باغ نقش جهان که از آثار سلاجقه باقی بوده ، داده و بدستور او و به سرپرستی و سعی شاهرخ بن تیمور این بنا بصورت بسیار زیبایی ساختمان گردید (۱۹) . " البته این احتمال که شاهرخ بنای تالار تیموری را ساخته باشند اندکی دور از ذهن به نظر می‌رسد لیکن قول جابری انصاری در این مورد صحیح تر است . وی می‌نویسد : " اگرچه در همه عمارات و بقاع ملتی و دولتی قبل از صفویه تعمیرات و تبدیلات صفویه چندان شده که نام آنها را به تحت الشعاع خورشید عمارات خود از میان برده اما باز نام پاره‌ای عمارات با نام آنان باقی مانده مانند عمارت تیموری که آنرا نژاد امیر تیمور در مدت فرمانروایی عراق پس از امیر تیمور بنا نهاد ، حال میرزا اسکندر یا میرزا رستم یا میرزا سلطان محمد یا میرزا عبدالله نبیره شاهرخ کدامیک ساخته‌اند باید به تواریخ مسوطه آنان نگریست و بنظر می‌آید این عمارت در یکی از اطراف باغ نقش جهان سابق واقع میشده (۲۰) . "

و نیز در جای دیگر مطلب را روشن تر کرده می‌نویسد :

" پشت چهلستون عمارتی است بنام تیموری و این ساختمان قبل از ترکمانیه در سلطنت اولاد تیمور بعراق و فارس درقسمتی ازباغ نقشجهان ساخته شده و گمان میرود از میرزا رستم بن میرزا عمر شیخ بن امیر تیمور باشد که زمان جدش بتولیت اصفهان برقرار بود و چون برای باغ نقش جهان نقشه‌های دیگر پیش آمد این عمارت بیک طرف بنیانی جداگانه پیدا کرد (۲۱) . "

بهر حال میتوان تصور کرد که احتمالا " بنای تالار تیموری مربوط است به اوایل قرن نهم هجری قمری و بانی آن رستم بن عمر شیخ بن تیمور می باشد که بنای مزبور را هنگام حکومت خود در شهر اصفهان بعنوان دارالحکومه ساخته ، بخصوص که بقول جابری انصاری اصفهان " هفتاد و پنج سال در ظل رایت تیموریان بود (۲۲) . " و بنا به گفته گدار " تقریبا " ۸۰ سال در تصرف امیر تیمور گورکان و اخلافش مانده بود (۲۳) . " امیرزاده رستم در سال ۸۲۴ هجری قمری پس از مراجعت از آذربایجان در مقر حکمرانی خود اصفهان درگذشت و حکومت اصفهان مدتی نیز در دست میرزا محمد بن بایسنقر نواده شاهرخ بود . پس از اولاد تیمور این شهر بدست قراقویونلوها افتاد ، در سال ۸۵۷ هجری عراق و فارس تحت لوای میرزا جهانشاه پسر قرایوسف قرار گرفت . گدار می نویسد :

" امیر جهانشاه در سال ۸۵۷ با اصفهان رفته مدتی در آنجا بماند و بساط عدل و داد را بین اهالی این ولایت بگسترانید و در نتیجه دلبستگی همه را نسبت بخود جلب کرد . بناهای زیبا نیز در آن شهر ساخت (۲۴) . " شرح دقیق تر ماجرا را از زبان مرتضی راوندی می توان نقل کرد :

" تا شاهرخ زنده بود ، جهانشاه نیرومندترین سلطان قره قویونلو خود را دست نشانده او میخواند ولی پس از مرگ وی جهانشاه از جنگهای بازماندگان تیموری استفاده کرد و عراق عجم ، خوزستان فارس و کرمان را تسخیر نمود و خود را پادشاهی مستقل شمرد . این فتوحات با غارت و ویرانی توأم بود ، شهرهای سلطانیه و

اصفهان سخت زیان دید (۲۵) . "

تایید این ویرانی را میتوان از زبان جوزا فابار بارو بازرگان ونیزی نیز شنید چنانکه وی قبل از حکومت جهانشاه می گوید : " پیرامون شهر چهار میل و با حومه ده میل بوده و مسکن داخل شهر که دارای حصار و خندق بوده با مسکن بیرون آن فرقی نداشت . اما در اواخر سلطنت جهانشاه سال ۸۳۹ تا ۸۹۶ هجری قمری ویرانی و قتل عام اصفهان بواسطه عدم اطاعت ساکنین آن روی میدهد بطوریکه در حدود سال ۱۴۷۴ میلادی که سیاح تاجر پیشه ایتالیائی فوق از آن دیدن مینمود فقط یک ششم شهر مسکون بوده است (۲۶) . "

پس از بیان مختصر تاریخچه استیلای بعد از تیموریان لازمست دلیل بیان مطالب فوق ذکر گردد . محمد هاشم آصف در کتاب خود اگر چه مطالب تاریخی را بایکدیگر مخلوط نموده که خواهد آمد ، لیکن یک نکته را اثبات مینماید و آن مورد استفاده قرار گرفتن بنای تالار تیموری بعد از اولاد تیمور احتمالا " توسط جهانشاه قره قویونلو می باشد وی می نویسد :

" و امیرزاده اعظم جهانشاه معظم نواده علیحضرت صاحبقرانی امیر تیمور گورکانی که بشمشیر عدل و احسان آفاق گیر و در حسن اخلاق و خوش سلوکی بی نظیر بود و در شهر اصفهان قصر عالم آرای دومرتبه شانزده خانه ، با گچ و آجر و خمیر حکمت و پایه هایش همه از سنگ رخام و مرمری که از لطافت بهتر از ابریشم بوده ، حسب الامرش ساختند و دیوانخانه ای متصل به آن ساختند ایوان عالی و لواحق بسیار . جوانب آن سرا را حجره های موزون و در غایت استحکام بجهت غلامان و کشیک چیان و پاسبانان ساختند و ملوک صفویه آنرا دفترخانه خود نمودند و آن قصر عالم آرای مذکور را فراشخانه خود مقرر فرمودند و اکنون آن دیوانخانه جهانشاهی مشهور به چهار حوض می باشد (۲۷) . " وی از این جهت دچار اشتباه شده که جهانشاه را نواده تیمور می داند چرا که او نامی از نواده تیمور که همان رستم بن عمر شیخ باشد شنیده ،

لیکن او را با جهانشاه قره قویونلو مخلوط کرده و نام جهانشاه نواده تیمور را بر او گذارده است. همچنین در جای دیگر از عمارت شانزده طبقه‌ای در جوار دیوانخانه که همان تالار تیموری باشد، یاد می‌کند که اکنون وجود ندارد. البته بعداً "خود رستم الحکما می‌نویسد که این بنا در زمان قاجاریه توسط حاکم اصفهان خراب گردیده (۲۸)، لیکن در مورد تالار تیموری دقیقاً " مشخصات ذکر شده با ایوان عالی و غیره صدق مینماید و آنرا عمارت جهانشاهی می‌داند که بعدها به چهار حوض مشهور شد و در سطوری بعدی هنگامیکه از بنا در دوران صفویه سخن خواهد رفت در این مورد توضیح بیشتری داده خواهد شد.

هنگامیکه شاه عباس اول شهر اصفهان را به پایتختی برگزید، این شهر رونقی تازه یافت و بعدها در طول حکومت خاندان صفوی یکی از دوره‌های خیره‌کننده معماری ایران در اصفهان پدید آمد. اسکندر بیک منشی می‌نویسد:

" درین سال که مطابق باست و الف (۲۹) هجری است، رای جهان آرا بدان فرار گرفت که دارالسلطنه مزبور (اصفهان) را مقرر دولت ابد مقرون ساخته عمارات عالی طرح نمایند. بدین نیت صادق و عزم لایق متوجه آن صوب گشته زمستان را بعیش و خرمی در دولتخانه مبارکه نقش جهان گذرانید. و ایام بهار عمارات عالی در نقش جهان طرح انداخته، معماران و مهندسان در اتمام آن میکوشیدند (۳۰). "

در اینجا باید توجه کرد که اسکندر بیک از دولتخانه مبارکه نقش جهان نام میبرد و این در حالیست که شاه عباس تازه به اصفهان آمده تا این شهر را به پایتختی برگزیند و هنوز دولتخانه‌ای بنام عالیقاپو وجود نداشته تا تصور شود که منظور اسکندر بیک همان است.

اوژینو گالدیری در کتاب عالیقاپو می‌نویسد:

" وقایع نگار (۳۱) می‌گوید که شاه عباس نوروز سال ۱۰۱۷ (۳۲) هجری جشن بزرگی در محل باغ نقش جهان در نزدیک

شهر و استخراج برگزار مینماید. در همان جایی که پادشاهان گذشته و شاه اسماعیل بنائی ساخته بودند (۳۳). "

در اینجا بهتر است گفته خود اسکندر بیک در ذکر وقایع سنه ثمان و الف (۳۴) که سال سیزدهم سلطنت شاه عباس اول میباشد بیان گردد:

" نوروز عالم افروز این سال مبارک روز یکشنبه بیست و سیم شهر شعبان المعظم اتفاق افتاد. خسرو گیتی ستان در باغ جهان آرای نقش جهان که از شکوفه و از هارش دماغ روزگار عنبر آگین بود بترتیب جشن عالی فرمان داده. در آن باغ دلگشا بر دور دریاچه باغ مجالس بهشت آسا ترتیب داده. و تا سه شبانه روز بساط عشرت و شادکامی گسترده ابواب بجهت خرمی بر روی خلاق گشوده بودند (۳۵). "

در این مورد بجاست قول کتاب احیاء الملوک نیز آورده شود در آنجا ذکر می‌گردد که در زمان سلطنت شاه عباس اول، هنگامیکه هنوز عماراتی در باغ نقش جهان توسط وی ساخته نشده بود:

" در آن ایام جشن چراغان بود و چون آخرد شد، باغ نقش جهان را مکرراً " جشن فرمودند (۳۶). و گالدیری در ادامه می‌افزاید: " ساختمانی را که منشی شاه، اسکندر بیک از آن به اسم شاه اسمعیل یاد کرده شناسائی نموده و معتقدیم که آن همان بنای تالار تیموری است که در فاصله عقب تری قرار گرفته است (۳۷). "

باید در نظر گرفت که شاه اسمعیل سفرهای متعددی به اصفهان نموده و احتمالاً " در این بنا اقامت می‌گزیده است. اسکندر بیک منشی تاریخ سفر شاه اسمعیل اول را به اصفهان سنه ثمان و تسعمائه (۳۸) می‌نویسد و حسن بیک روملو اصفهان را محل قشلاق وی می‌داند و در کتاب خود احسن التواریخ چند بار به این نکته اشاره نموده از جمله در وقایع سنه تسع و عشر و تسعمائه (۳۹) می‌نویسد:

" علم مراجعت به صوب اصفهان افراخت (شاه اسماعیل) و در آن بلده قشلاق انداخت (۴۰). "

و یا در جای دیگری می‌گوید که هنگام قشلاق در همان سال ذکر

شده شاه طهماسب بدنیا آمد :

" روز چهارشنبه بیست و ششم ذیحجه ، شاه دین پناه ظل الله در قریه شهادباد ، من اعمال اصفهان (نسخه دیگر از بلوک اصفهان) متولد شد (۴۱) . "

و در ذکر وقایع سنه ست و عشرين و تسعمائه (۴۲) می نویسد :
" و هم در این سال ، خاقان اسکندرشان (شاه اسماعیل) در اصفهان فشلاق نمودند (۴۳) . "

و در عالم آرای شاه اسماعیل آمده است که : " چون نواب شاه طهماسب به اتفاق حسین بیگ لله و باقی سپاه از سیستان روانه شد داخل یزد گردیده و از آنجا ایلغار نموده و بی خیر داخل دارالسلطنه اصفهان گردید و به در دولتخانه مبارکه آمده ، احوال نواب اشرف (شاه اسماعیل) را پرسیده ، گفتند که در باغ نقش جهان نرول اجلال دارد (۴۴) . "

از عمارت تالار تیموری در دوران صفویه بنام عمارت چهارحوض یاد شده ، البته قبل از سلطنت شاه عباس دوم هیچ نامی از این میدان برده نشد ، و احتمالاً " در زمان وی در مقابل تالار تیموری اقدام به ایجاد میدانی بنام چهارحوض گردیده است .

محمد مهدی بن محمد رضا الاصفهانی مولف کتاب نصف جهان فی تعریف الاصفهان چنین می نویسد :

" عقب عمارت شاهی بطرف شمال میدان کوچکی است که آنرا میدان چهارحوض می گویند و آن نیز اطرافش حجره و مکان لشکر و سرباز است و این میدان یکمرتبه است ، طبقه بالا ندارد و آنرا سه دروازه می باشد ، یکی بعمارات شاهی و محاذی این دروازه ایست که محاذی در حمام خسرو آقا و از عقب باغ و عمارت چهلستون بطرف دروازه دولت رود و دری بیازار مسگرها و محاذی این در ایوانی رفیع ساخته اند (۴۵) . "

در این مورد نیز شاردن سیاح فرانسوی که بارها در زمان شاه عباس دوم و شاه سلیمان صفوی به ایران آمده مطلبی دارد :

" بسوی کاخ شاهی که پیش روند ، از زیر یک دالان سربوشیده

بزرگی که سراسر کوچه را گرفته می گذرند
آنگاه از میدان چهار حوض می گذرند که یک میدان چهار گوش بزرگ است که گرداگردش را درختان فرا گرفته در سوی راست از در کاخ شاهی موسوم به در چهار حوض (۴۶) که به تالار بزرگ چهل ستون منتهی می گردد ، می گذرند (۴۷) . "

در زمان شاه سلیمان صفوی این بنا تبدیل به دفترخانه همایونی گشت . البته قبل از آن نیز سوابقی از دوران شاه عباس اول وجود دارد اما روشن نیست که محل آن در کجا بوده و اگر چه اسمی از مکان دفترخانه برده نشده اما پیداست که جایی به این نام وجود داشته مثلاً " در کتاب احواء الملوک آمده است که شاه عباس " مدت چند ماه در دارالسلطنه اصفهان هنگامه حضور گرم داشتند و به تاریخ شهر ربیع الاخر به جانب مازندران بهشت نشان توحه فرموده ، دفترخانه همایون و دیوان بیگی و صدراعظم و اهل علم راه دارالسلطنه مزبور گذاشتند که به سرانجام مهام خلاق اشتغال داشته باشند (۴۸) . "

مینیورسکی نیز می نویسد که : " هیچیک از سیاحان گویا از محل مخصوص اداره دفترخانه سخنی نگفته اند و این مطلب دال بر آنست که دفترخانه در محل دیوان بوده است (۴۹) . " که قبلاً " گفته شد محل دیوان بنا بر قول رستم الحکماء همان عمارت تیموری است . با این وصف چون تنها از زمان شاه سلیمان است که با نام و محل دفترخانه برخورد می گردد از این تاریخ وجود آن قطعی تصور میشود .

انگلبرت کمپفر سیاح آلمانی که در زمان شاه سلیمان به ایران سفر کرده در نقشه ای که از مجموعه سلطنتی اصفهان در دوران صفویه کشیده ، محل تالار تیموری را با عدد ۱ مشخص مینماید و در صفحه پشت نقشه در کنار این عدد نوشته است : " ۱- دفترخانه (۵۰) . "

رئیس دفترخانه در زمان صفویه لقب مقرب الحضرت داشت . در این مورد کتاب تذکره الملوک در ردیف نام کسانی که این لقب را داشته اند نام مقرب الحضرت العلیه ناظر دفترخانه همایون

اعلی را نیز آورده است. در ذیل این اسم هنگامیکه شغل وی را توضیح میدهد آمده است: "شغل مشارالیه آنست که ارقام ملازمت و مدد معاش و معافیتها و سیورغالات و وظایف و احکام همه ساله و تیول و تنخواه کل عساکر و ارقام مناصب و افراد محاسبات عمال ممالک محروسه از وزراء و متصدیان و مستاجران و ضابطان و مباشران مالیات دیوانی، شغل مختص مقرب الحضرت مشارالیه است. و ۹۰ نفر محرر ملازم دیوان داشته که ۸ نفر از ارقام و احکام همه سالحات و تنخواه و تصدیقات همه ساله و غیره که از سرکارات می گذرد، ایشان نیز ثبت و خط می گذراند و یک نفر دیگر در حین گذشتن محاسبات و ارقام و احکام و تصدیقات بعد از تصحیح، خط و شد می کند (۵۱)". برای این دفترخانه افراد دیگری نیز کار می کرده اند. شاردن نیز نحوه اداره این دفترخانه را به تفصیل در سفرنامه خود بیان نموده است (۵۲).

به نظر می رسد که مقابل عمارت تیموری در هنگام صفوی به ضمیمه کارخانه های شاهی بوده چرا که شاردن می نویسد: "ساعت سازان اروپایی هیچگونه کارگاه ویژه ای ندارند. . . . ولی چون تعدادشان زیاد است، گروهی از ایشان را در محلی که منضم بقسمت خلفی کاخ شاهی موسوم به چهار حوض می باشد مستقر ساخته اند (۵۳)". پس از آنکه حکومت دودمان صفوی توسط محمود افغان در زمان شاه سلطان حسین به سر آمد، محمود افغان در اصفهان مستقر شد و پس از او پسر عمویش اشرف به سلطنت پرداخت. در این دوره از عمارت چهار حوض که گاه ذکری در منابع تاریخی رفته است، بطور مثال مولف کتاب سقوط اصفهان که خود در اردوی محمود بوده و تاج بخشی شاه سلطان حسین و وقایع بعد از آن را دیده است می نویسد: "از راه پل شیراز (پل خواجو) و خیابان خواجو می آمدند تا داخل شهر شدند، شاه خود را از محمود بکنار کشید و از راهی آرام بقصر رفت محمود با سپاهیانش که فریاد الله الله می کردند از در چهار حوض داخل کاخ شد (۵۴)". محمود پس از تسخیر اصفهان به قتل عام شاهزادگان و سران

دولت صفوی پرداخت. رستم الحکماء نکته قابل توجهی در مورد دفن این مردگان می نویسد: "و آن کشتگان را از میان شان چهار زرعی و براق و اسباب گشودند و در فضای دیوانخانه امیرزاده جهان شاه، نواده امیر تیمور گورگانی (۵۵) که در آنوقت دفترخانه ملوک صفویه بود و زمین آن عمیق بود و اکنون مسمی به چهار حوض می باشد، همه را به پهلوی هم خواباندند و خاک بر آنها ریختند (۵۶)". بنابراین گروهی از شاهزادگان و امرای دولت صفوی در چهار حوض دفن شده اند.

پس از آن که محمود به بستر بیماری افتاد، پسر عمویش اشرف به سلطنت رسید، وی در زمان محمود گویا در باغ فرح آباد اصفهان و در محلی که تنهاروزنی از بالا داشت و از آنجا برایش تکه نانی می انداختند محبوس بود. هنگامیکه حال محمود رو به وخامت گذاشت، عده ای بدنبال اشرف رفته او را نجات بخشیده و به حکومت رساندند. رستم الحکماء در این مورد نیز مطلبی دارد: "امیر محمد سمیع شال از کمر خود و از کمر ملازمهای خود گشود و بر سر هم بست و از بالا بزیر فرو نمود، اشرف سلطان دستبر آن گرفته و پیرا بالا کشیدند و آمدند تا سر پل ماربانان و شخصی را از یابو پیاده کردند و او را سوار نمودند و آمدند تا بسرای جهان شاهی که آنرا چهار حوض می نامند. در گوشه آنخانه که متصل به در بازار است راهیست که از آنراه به اندرون خانه شهنشاهی آمد و شد مینمایند، از آنراه اشرف سلطان را از روی دست و شانه بالا نمودند و خود از عقبش روانه گردیدند (۵۷)".

پس از آن اشرف بالشی بردهان محمود که در حالت اغما بود نهاده و او را خفه نمود و خود به جایش بر تخت نشست. بعد از این ماجرا دفترخانه صفویه به سر نوشت شومی دچار گشت. دکتر باستانی پاریزی در این مورد از دستور الملوک چنین نقل قول مینماید: "هم محمود و هم اشرف، اختیار خود را به دست یک روحانی متعصب و مال پرست سنی دادند که بسیاری سیاست بود و در عوض سخت خشن و بی باک، و آن ملاز عفران بود که

به محض ورود به اصفهان نخست فتوا داد که اصفهانها همه مردم ایران رافضی اند ، و رفضه کافرند و به استناد این حکم ، رقبات دفتری صفویه را که تشخیص قراء دولتی و اربابی و موقوفه را به درستی معلوم میکرد و در چهل ستون ضبط بود به زاینده رود افکند (۵۸) . منظور از چهل ستون احتمالا همان دفترخانه مورد نظر بوده که چون در کنار کاخ چهلستون واقع شده و از شهرت کمتری برخوردار بوده ، با نام چهلستون از آن یاد شده است .

اما رستم الحکماء از بین بردن دفترخانه صفویه را مربوط به زمانی دیرتر یعنی هنگام سلطنت فتحعلی شاه قاجار می داند وی می نویسد : " محراب بیک قوشچی گوید : عالیجاه عبدالله خان حاکم اصفهان پسر عالیجاه حاجی محمد حسین خان اصفاهانی که از مرتبه علافی به انبارداری و از انبارداری به کدخدائی و از کدخدائی به حکومت و از حکومت به مستوفی الممالکی و از استیفا بصدارت رسید و حکومت اصفاهان و یزد و کاشان و لرستان را با بصدارت داشت و چنان تسلطی یافته که هر چه دلش میخواست از قوه بفعل آورد ، بقدرت و اختیاری که داشت دفترهای هزار ساله ایران را که در سرای جهانشاهی که مشهور بچهارحوض می باشد و دفترخانه ملوک صفویه بوده همه را بیراق آتشبازی صرف نمود (۵۹) . "

در کتاب نصف جهان فی تعریف الاصفهان هنگامیکه مولف از میدان چهارحوض سخن می گوید که قبلا آمد ، در ادامه می افزاید : " سیف الدوله سردری مختصر بر سردروازه میدان بعمارت (۶۰) شاهی که طرف جنوب آنست ساخته بود و آن میدان خرابی راه یافته و حوضی که در میان آن بود از حیز انتقاع افتاده ، نواب اشرف و الاظل السلطان آنجا را نیز مرمت کامل و محل سربازو لشکر قرار دادند و حوض آنرا موقوف ساخته و چهار باغچه بچهار طرف آن طرح انداخته اند (۶۱) . "

بنابراین میدان چهارحوض در زمان قاجار مکانی برای لشکر و سرباز بوده است .

میرزا حسین خان تحویلدار اصفهانی نیز می نویسد : " میدان چهارحوض که سابق بر این چهارحوض در چهار موضع آن بوده میدانی است نسبت به نقش جهان و سایر میدانها کوچک ، مشتمل بر حجرات اطراف که اکنون سرباز نشین است و یک فوج در آن سکنی مینمایند ، این میدان بمنزله جلوه خان عمارات مبارکات است ، سردری دارد مرتفع و عالی ، متضمن مکانهای مرغوب (۶۲) . " احتمالا منظور از سردر یاد شده که در جلوه خان عمارات مبارکات و رو به سوی میدان چهارحوض واقع شده ، همان ایوان مرتفع تالار تیموری است .

بنابراین در زمان قاجار این میدان و احتمالا " تالار تیموری مورد تعمیر و استفاده قرار گرفته است . در این زمینه میتوان به دو نقل قول نیز از مورخین عهد قاجار توجه نمود از جمله میرزا محمد تقی سپهر در زمان سلطنت ناصرالدین شاه می نویسد : " در اصفهان قراولخانه ها و عمارات نیکو بنیان نمودند و بناهای سلاطین صفوی را بتمام مرمت کردند (۶۳) . " و اعتماد السلطنه در کتاب المآثر والآثار در ذیل وقایع سال ۱۲۶۷ ، سال چهارم سلطنت ناصرالدین شاه و سال ۱۲۷۱ سال هشتم پادشاهی وی به تعمیر عمارات و ابنیه دیوانی اصفهان اشاره می نماید (۶۴) . قصد از عمارت دیوانی ، احتمالا " عالیقاپو است که تاریخ تعمیر آن نیز بر بالای سردر این بنا در عهد قاجار نوشته شده (۶۵) لیکن با دقت به این موضوع که از کلمات ، " عمارات و ابنیه دیوانی " سخن بمیان آمده ، می توان استنباط کرد که بناهایی بیش از یک عمارت مورد نظر بوده و با توجه به اینکه اکثر بناهای دیوانی صفوی در قسمت غربی میدان نقش جهان در زمان قاجار نیز مورد استفاده دولت وقت قرار گرفته و با تکیه به مشاهداتی که در خود بنای تالار تیموری از زمان قاجار وجود دارد ، شاید این بنا نیز در زمره عمارات دیوانی تعمیر شده بوده است . در زمان سلطنت رضا خان نیز تالار تیموری و میدان چهارحوض همچنان محل لشکر و سرباز بوده و از قسمت شمالی آن بعنوان

اصطبل استفاده شده که بقایای این اصطبل هنوز دیده میشود . کاخ چهلستون نیز در این عهد اداره جنگ و احتمالاً " بابنای تالار تیموری در یک رابطه مورد بهره گیری قرار داشته اند .

در همین زمان با احداث خیابان صوراسرافیل و سپه سابق ، مقابل عمارت تیموری بکلی دچار تغییرات گردید . ابوالقاسم رفیعی مهرآبادی می نویسد : " میدان چهارحوض در سنوات اخیر خراب و قسمتی از آن جزو خیابان و بانک ملی شده است (۶۶) . " و حسین نور صادقی نیز در این مورد اشاره ای دارد : " در قسمت دیگر میدان حوضی مستطیل طرح انداخته و اطرافش گلکاری شده و بین این فضا و محوطه عمارت تیموری را خیابانی وسیع با دو حوی در طرفین و دو پیاده رو بکناری ساخته اند . این خیابان یکی از بهترین خیابانهای شهر است و بیشتر عمارات دولتی در طرفین آن قرار دارند (۶۷) . "

در سال ۱۳۲۷ شمسی این بنا از طرف فرمانده لشکر اصفهان تعمیر و بصورت باشگاه افسران مورد استفاده قرار گرفت و " پس از این از روی مینیاتورهای کاخ چهلستون تابلوهائی در آن اضافه گردیده است (۶۸) . "

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی این محل در اختیار هنگ توپخانه اصفهان قرار گرفت که هم اکنون بصورت دژ بانای منطقه اصفهان از آن استفاده میشود .

بررسی اشیاء یافت شده از حفاریات تالار تیموری

بطور کلی اشیاء بدست آمده از تالار تیموری را میتوان بشرح

ذیل تقسیم نمود :

۱- سفال

۲- کاشی

۳- اشیاء مفرغی

۴- لایه های تزئینی بصورت نقاشی و گچبری

۱- سفال

متأسفانه از سفال دوره تیموری نمونه های اندکی در اختیار است

و هنوز تحقیق جامعی در این مورد انجام نپذیرفته لیکن باید این نکته را در نظر داشت که صنعت سفالگری و فلزکاری در دوران تیموری به موازات معماری و نقاشی آن پیشرفت چندانی نداشته است .

دیماند می نویسد : " از سفال دوره تیموری در ایران نمونه های خیلی کمی باقی مانده ولی از قطعات معدودی که موجود است معلوم میشود که طرز عمل و طرحهای تزئینی دوره مغول ادامه یافته و از لحاظ ارزش صنعتی و جنس رو به انحطاط رفته است (۶۹) . "

اکثر محققین تاثیر چین را در سفال و کاشی دوران تیموری یادآور شده اند چنانکه دیماند در ادامه می افزاید : " از مینیاتورهای قرن پانزدهم که حاوی تصویر سفال و کاشیکاری آن دوره است چنین معلوم میشود که در دوره تیموری تاثیر صنایع چین بسیار قوی بوده است ، بطوریکه می توان حدس زد که بعضی از سفال و کاشیکاری که در این مینیاتورها دیده میشود ، مستقیماً از چین وارد شده و بعضی قطعات دیگر تقلید کارهای ایرانی است که متأسفانه نمونه ای از آنها بندرت یافت میشود (۷۰) . "

بطور عمده ظروف دوران ایلخانی و تیموری را اغلب محققین یکجا طبقه بندی نموده اند و البته علت اصلی این موضوع را میتوان عدم دسترسی کافی به سفال تیموری و ادامه سبک قدیمتر یعنی ایلخانی در این دوران دانست . فهرورازی ظروف دوران ایلخانی و تیموری را چنین طبقه بندی می نماید :

۱- ظروف کاشان

۲- ظروف ناحیه سلطان آباد

۳- ظروف کرمان

۴- ظروف محلی

۵- ظروف کوباچه یا شمال غربی

۶- ظروف سفید و آبی ابتدایی ایران (۷۱)

سفالهایی که در حفاریات جنبه شمالی تالار تیموری بدست آمده است عمدتاً " از قرن هشتم و نهم هجری در عمیق ترین لایه ها آغاز شده و تا دوران قاجار در لایه های سطحی ادامه می یابد .

در میان سفالهای مربوط به اواخر دوران ایلخانی و اوایل دوران تیموری به دو نوع سفال بدون لعاب و لعابدار برخورد می‌گردد. این ظروف احتمالاً "شامل سفالهایی است که از اواخر دوران ایلخانی وجود داشته و ساخت آن تا دوران تیموری ادامه پیدا می‌کند و در واقع همان سبک و تکنیک مغولی را دارد.

ظروف بدون لعاب دارای خمیر نخودی رنگ بوده و برخی ساده و گروهی دارای نقوش کنده می‌باشد و اغلب این نقوش بر روی لبه و گه گاه بدنه ظروف خودنمایی می‌کند و شامل خطوط موجی شکل زبکزاک و نواریهای افقی و عمودی است. شکل ظروف بصورت کاسه‌های بزرگ و کوچک و کوزه‌های ظریف می‌باشد و همچنان که گفته شد مربوط به قرن هفتم و هشتم هجری قمری است.

دسته دیگر که بنام سفال با نقوش زیر لعاب

(under glaze painted wares)

خوانده میشود و مربوط به اواخر دوران ایلخانی و اوایل دوران تیموری می‌باشد بیشتر ظروفی است که در طبقه بندی ذکر شده توسط فهروری در دسته ظروف محلی جایگزین شده و این ظروف که ساخت آن در دوران ایلخانی و تیموری متداول بوده را، نمی‌توان مطمئناً به ناحیه خاصی نسبت داد و در هر مکان بنا به مقتضیات و امکانات محلی به نحو خاصی ساخته میشده است لیکن تاثیر چین در آنها بخوبی پیداست. این سفالها دارای خمیری قرمز و یا نخودی رنگ بوده و با رنگهای سبز، زرد، قهوه‌ای و فیروزه‌ای بر روی لعابی شفاف تزئین شده، نقوش آن هندسی و گیاهی بوده و با رنگ سیاه بر روی ظروف نقاشی گردیده است. این سفالها از لایه‌های عمیق از ۳۰ تا ۳۳ سانتیمتر بدست آمده است. در این دسته سفالهای دیگری نیز با طرحهای گیاهی و هندسی وجود دارد که نقوش آن با رنگ سیاه بر لعابی فیروزه‌ای نقاشی شده، خمیر این نوع سفال نخودی بوده و اغلب شامل کاسه‌های ظریف میباشد. این ظروف به دوران تیموری اختصاص دارد. محل پیدایی آنها نیز در کاوش تالار تیموری در عمق ۳۱۰ تا ۳۳۰ سانتیمتر می‌باشد.

همچنین در حفاریات تعداد کمی قطعات موسوم به سلادن بدست آمد. خمیر این ظروف نخودی بوده و بشکل پایه ظرفهای باشد. رنگ آنها سبز روشن و یا آبی فیروزه‌ایست و در عمق ۲۶۵ تا ۲۷۵ سانتیمتری بدست آمده است. این نوع سلادن احتمال دارد از ناحیه کرمان به این منطقه آورده شده باشد چرا که این تکنیک در نواحی کرمان رایج بوده و متعلق به اواخر دوران تیموری و اوایل دوران صفوی است.

دسته دیگر ظروفی که بنام آبی و سفید معروف است نیز در حفاریات تالار تیموری بدست آمده است. نوع اولیه آن در طبقه بندی فهروری از دوران تیموری ذکر شده و نوع متاخر این دسته متعلق به اواخر تیموری و دوران صفوی است که از هردو در کاوشها وجود داشت. عده‌ای را عقیده بر آنست که ساخت ظروف معروف به آبی و سفید (blue and white wares) برای نخستین بار در چین شروع گردیده و سپس در خاور میانه تحت نفوذ چین مورد تقلید قرار گرفته است.

ارنست گروبه عقیده دارد که: "با ساخت ظروف آبی و سفید برای اولین بار در دوران عباسی مواجه میشویم که احتمالاً در قرون بعدی رواج می‌یابد و در قرن چهاردهم میلادی به اوج میرسد که مطمئناً "بیشتر بخاطر برخورد مستقیم با تزئینات آبی و سفید ظروف چینی است (۷۲)". باید توجه داشت که ساخت این نوع ظروف پس از قرن سوم هجری بدست فراموشی سپرده میشود تا اینکه در اواخر قرن هشتم هجری دوباره ساخت آن در سوریه و ایران متداول میگردد و این موضوع شاید بعلت صادرات این نوع ظروف از کشور چین بوده باشد چرا که "بطور عمده آبی کبالت در چین دوره مینگ معمول بوده و ساخت ظروف چینی با این آبی بمقادیر زیادی در همان دوران و دوران قدیمی‌تر آن در چین معمول بوده است و در قرن چهاردهم میلادی است که ظروف آبی و سفید چینی شروع به صادر شدن به ایران و کشورهای غربی را مینماید (۷۳)". بعدها این نوع ظروف در ایران بمقدار زیادی

ساخته شده و حتی عمده صادرات ایران به کشورهای غربی را تشکیل می دهد . دکتر کیانی عقیده دارد که " ساختن این ظروف در دوره صفویه در اصفهان و کرمان و مشهد و سایر مراکز ادامه می یابد . در این دوران بعضی از آنها هنوز وفاداری خود را به طریقه چینی حفظ نموده اند ، برخی نشانگر اختلاطی از عناصر چینی ایرانی هستند و بقیه دارای روحی کاملاً " صفوی می باشند (۷۴) .

در میان سفالهای بدست آمده از تالار تیموری به دو گونه یاد شده یعنی سفالهای آبی و سفید اولیه و متاخر هر دو برخوردار گردید . یک دسته ظروفی که متعلق به اواخر تیموری است و ظروفی بازمینه آبی غلیظ و تزئیناتی با نقاشی زیر لعاب سیاه رنگ را تشکیل می دهد و قبلاً " ذکر آن رفت که مختص دوران تیموری است ، اگر چه به گروه آبی و سفید تعلق ندارد لیکن بنا بر قول ارنست گروبه می توان آنها را حد فاصلی بین سنت ظروف سبزرنگ قدیمی تر از قرن سیزدهم و چهاردهم میلادی (قرن هفتم و هشتم هجری قمری) و ظروف آبی و سفید واقعی قرن چهاردهم و پانزدهم میلادی (قرن هشتم و نهم هجری قمری) دانست (۷۵) .

گروه دیگری که پس از این حد فاصل وجود دارد ظروف آبی و سفیدی است که دارای زمینه ای سفید رنگ می باشد و نقوشی به رنگ آبی و سیاه در زیر لعاب آن دیده میشود و طرحهای آن هندسی بوده و در کاوش جبهه شمالی تالار تیموری از عمق ۲۳۰ تا ۳۳۰ سانتیمتری بدست آمده است و مواد اولیه آن مانند سفالهای تیموری گل رس می باشد در حالی که پس از آن در لایه های بالاتر ظروف آبی و سفید متاخر دیده میشود که به دوران صفویه تعلق داشته و مواد اولیه آن مخلوطی از سیلیس و شیشه است . برخی از این ظروف دارای نقش ازدها و گل شقایق و ابرهای پراکنده تزئینی است که در ظروف چین نیز مرسوم بوده و بتدریج در ظروف صفوی هم دیده میشود . ساخت این نوع ظروف آبی و سفید تا قرن ۱۳ هجری قمری در ایران ادامه می یابد .

همچنین در کاوش جبهه شمالی تالار تیموری سفالهای دیگری نیز بدست

آمده که بنام سفال بال لعاب پیکرنگ (Monochrom wares) موسوم است . این ظروف دارای خمیری نخودی رنگ بوده و بیشتر شامل کاسه ها و پایه ظروف و یک عدد پیه سوز است . لعاب آنها اغلب آبی یا فیروزه ای و گاهی سبز می باشد و قدمت آنها به اوایل دوران صفویه میرسد و در عمق ۱۳۰ تا ۲۳۰ سانتیمتری ترانشه های حفر شده بدست آمد . مرکز اصلی ساخت این ظروف در دوره صفویه احتمالاً " کرمان بوده است .

در اینجا لازمست ذکر گردد که قطعات ظروف تیموری بدست آمده از تالار تیموری با مشابه آنها که در مدرسه دو در مشهد بدست آمده است قابل مقایسه می باشد . مدرسه دو در در سال ۸۴۳ هجری قمری در دوران تیموری در زمان شاه رخ میرزا بنا شده و مشخصات سفالهای بدست آمده از حفاریات آن بشرح زیر می باشد : " پشت ظروف دوره تیموری اکثراً " بدون لعاب و هیچگونه تزئینی است و دارای قطر و خشونت بیشتری از ظروف دوران صفوی است . پایه این ظرفها نسبت به حجم آن بسیار پهن بوده و لعاب آنها بعلت جسمی بودن مواد اولیه به راحتی از ظرف جدا میشود . طرحهای آن هندسی و گاه نقش گیاهی و یا حیوانیست که در حاشیه و لبه ظروف مشاهده می گردد و بیشتر بشقاب های دوره تیموری دارای لبه تخت بوده که شروع آن از دوره مغول بچشم می خورد و تا دوران صفویه ادامه می یابد . نقوش سفال دوران تیموری تنوع رنگ دارد در حالی که ظروف صفوی دارای تنوع نقش و طرح است (۷۶) .

سفالهای یافت شده در تالار تیموری نیز بدون ظرافت بوده و لعاب آن اغلب در داخل ظرف می باشد و دارای لعابی ناپایدار و زود شکننده است . لیکن تنوع رنگ در سفالهای بدست آمده از تالار تیموری کمتر از سفالهای تیموری مدرسه دو در می باشد و بطور کلی جز نقش هندسی و بندرت گیاهی ، نقوش دیگری دیده نمیشود و این امکان هست که موضوع را بتوان مربوط به تاریخ ساخت این سفالها دانست چنان که شاید بتوان جهت تالار تیموری

زمانی پیش تر از مدرسه دودر که همزمان مدرسه گوهرشاد مشهد می باشد ذکر کرد .

البته این مطلب را بطور دقیق تا زمانی که تمام قسمت های تالار تیموری مورد کاوش قرار نگیرد نمی توان ابراز داشت .

۲- کاشی

در حفریات جنبه شمالی تالار تیموری مقدار بسیار زیادی کاشیهای معرق با رنگهای لاجوردی ، فیروزه‌ای و سفید بدست آمد که به دو بخش تقسیم می‌گردد : دسته‌ای دارای تزئینات گیاهی بصورت گل و بوته می‌باشد و گروهی دارای طرحهای هندسی است که دو یا سه رنگ کاشی در کنار یکدیگر قرار گرفته و تزئینی را بوجود می‌آورده است .

چند نمونه نیز کاشی لعاب پیران در حفریات بدست آمد از جمله یک عدد کاشی ۶ ضلعی که در میان آن ستاره‌ای سه پر بصورت لعاب پریده بوجود آمده و کاشیهای دیگری که اغلب مدور بوده و در حاشیه آن از فن لعاب پیران استفاده شده و اشکالی شبیه به مثلث و یا لوزی پدید آمده است در حالی که میان آنها لعاب فیروزه‌ای و یا سفید دیده میشود . البته دقیقاً " روشن نیست که این کاشیها متعلق بخود بنا بوده و یا از نقطه دیگری به این محل راه یافته چرا که هم اکنون هیچگونه اثری از تزئینات کاشیکاری در بنای تالار تیموری وجود ندارد اگر چه امکان دارد که چون بنای مزبور بارها مورد دگرگونی قرار گرفته تزئینات آن در نتیجه این تغییرات از بنا جدا شده باشد . این موضوع از آنجائیکه میشود که در حفریات نمونه‌های جالبی از یک نوع کاشی بدست آمد که شاید با مقایسه بتوان آنرا به دوران تیموری نسبت داد .

این کاشیها فیروزه‌ای رنگ بوده و خطوط طلائی بصورت گل و برگهای بسیار ظریف بدون بوم بر روی کاشی کشیده شده و نظیر آن در بنای درب امام اصفهان از دوران تیموری با همان تکنیک لیکن متفاوت از جهت رنگ کاشی و نوع طرح خطوط طلائی دیده میشود . این کاشیها که بنام قازمغازی (Ghazmeghazi)

موسوم می‌باشد و شش گوش بوده و دارای رنگی سبزی می‌باشد در مدرسه دودر و مسجد شاه سابق مشهد نیز دیده میشود (۷۷) .

کاشیهای فیروزه‌ای مزبور در عمق ۲۴۰ تا ۲۵۵ سانتیمتری حفریات تالار تیموری بدست آمده است .

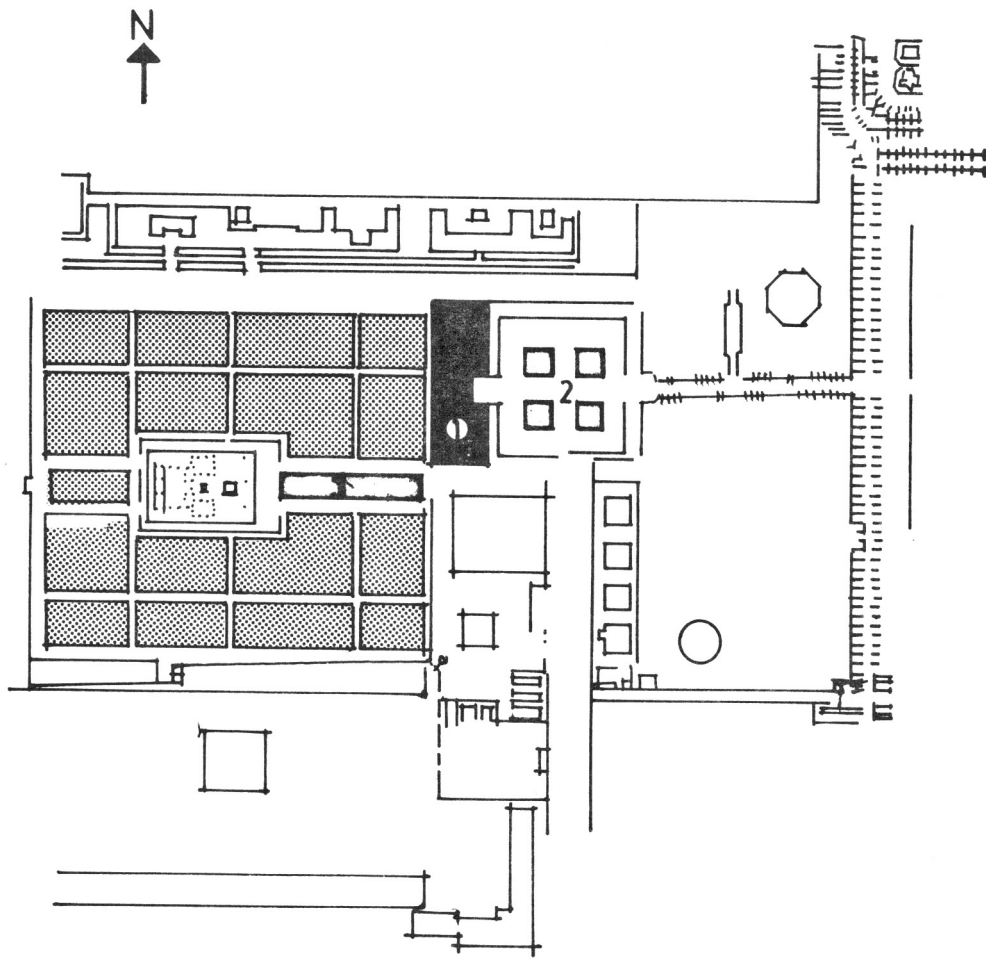
۳- اشیاء مفرغی

در حفریات جنبه شمالی تالار تیموری دو شیئی مفرغی نیز بدست آمد . یکی بصورت سفیدآب‌دان بوده و از لایه‌های سطحی بدست آمد و دیگری انگشتری است که در انگشت شست قرار می‌گرفته و احتمالاً "مربوط به دوران صفوی است و گویا توسط جنگجویان به هنگام کشیدن زه کمان مورد استفاده قرار می‌گرفته و نظیر آن در یکی از تابلوهای بزرگ سالن میانی چهلستون در دست شاه عباس دیده میشود (۷۸) و شاید سمبلی از جنگاوری و رزمجویی باشد . این انگشتر در عمق ۲۸۵ سانتیمتر حفریات بدست آمد .

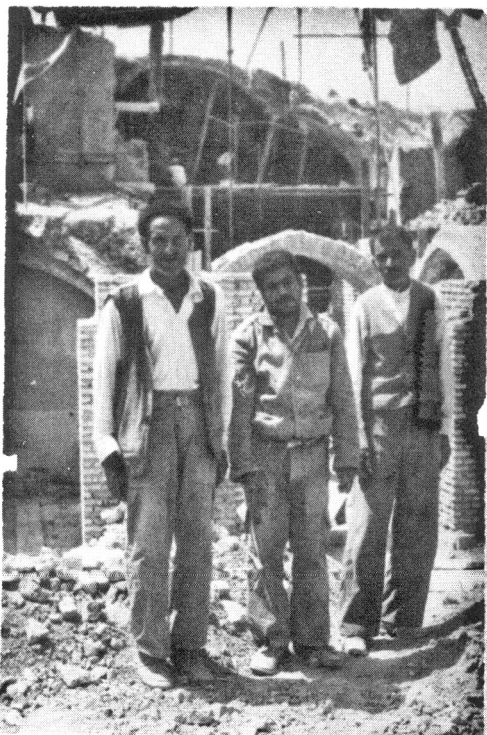
۴- لایه های تزئینی

در حفریات چند قطعه تزئینات بصورت نقاشی دیواری نیز بدست آمد که با نقوش طلائی بر روی زمینه‌ای قرمز رنگ نقاشی شده است و نمایشگر المانهای گیاهی است لکن متأسفانه بعلت صدمات بسیار نقوش آن قابل تشخیص نمی‌باشد اما تکنیک آن همانست که در دوران صفویه معمول بوده است . همچنین چند نمونه گچبری نیز در کاوشها بدست آمد که دو قطعه آن بصورت تزئین بوده و یک قطعه شامل کتیبه‌ایست که چون تنها قسمت کوچکی از آن بدست آمده است قابل خواندن نمی‌باشد .

ذکر این نکته ضروریست که قطعات گچبری یاد شده بطریق قالب‌گیری ساخته شده است و در عمق ۱۸۰ سانتیمتری بدست آمده است (۷۹) .



نالار تیموری (۱) و میدان چهار حوض (۲) در شرق باغ چهلستون (۳) از روی نقشه بودونن



از راست به چپ :

آقایان :

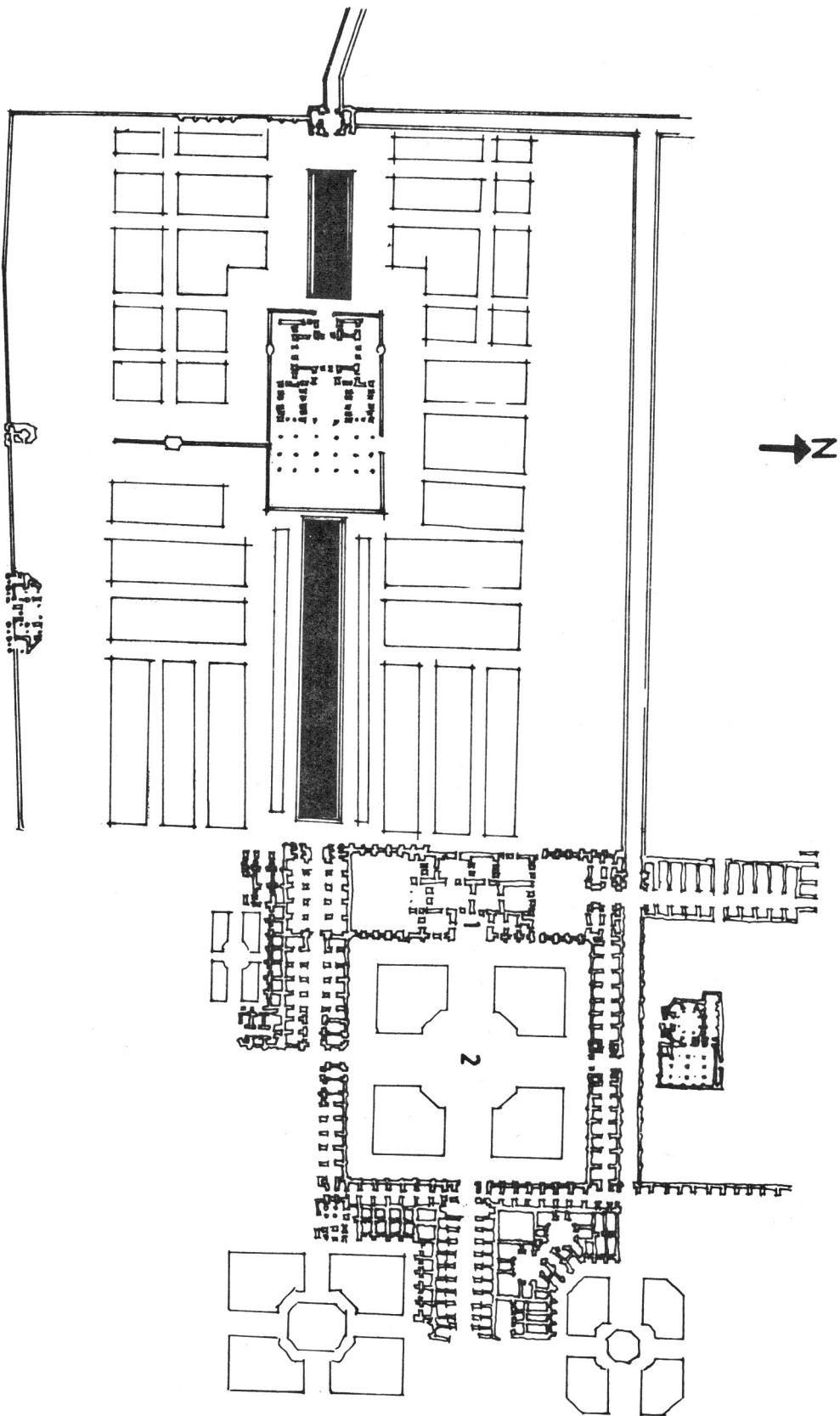
احمد غلامی

حسین امیری

محمود یزدانی

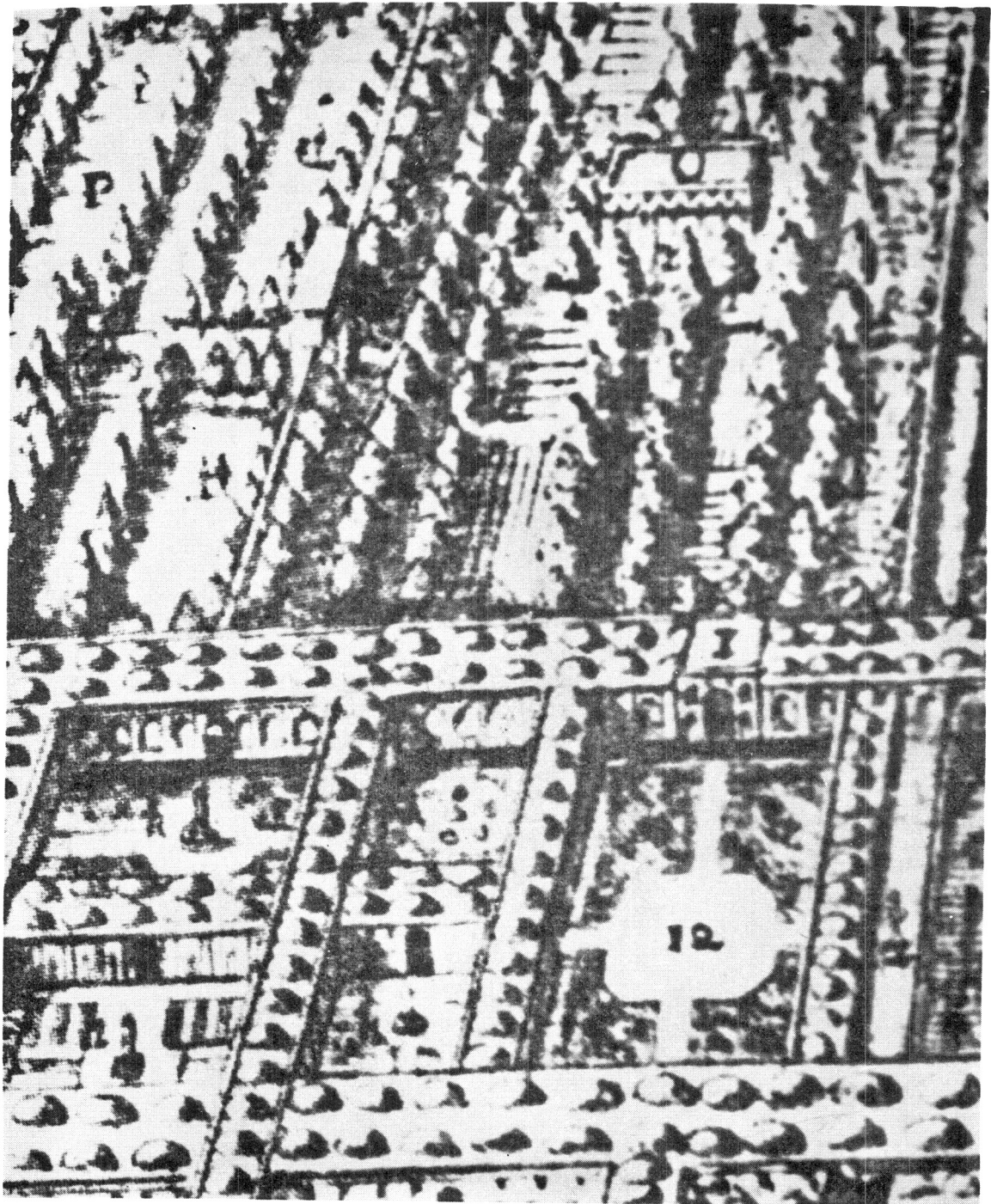


طرح فردریچا در زکهد در اصل از طبقه فوقانی عالیقا پودر سال ۱۹۴۰ میلادی ترسیم شده و ایوان بزرگ تالار در انتها طرح دیده میشود.

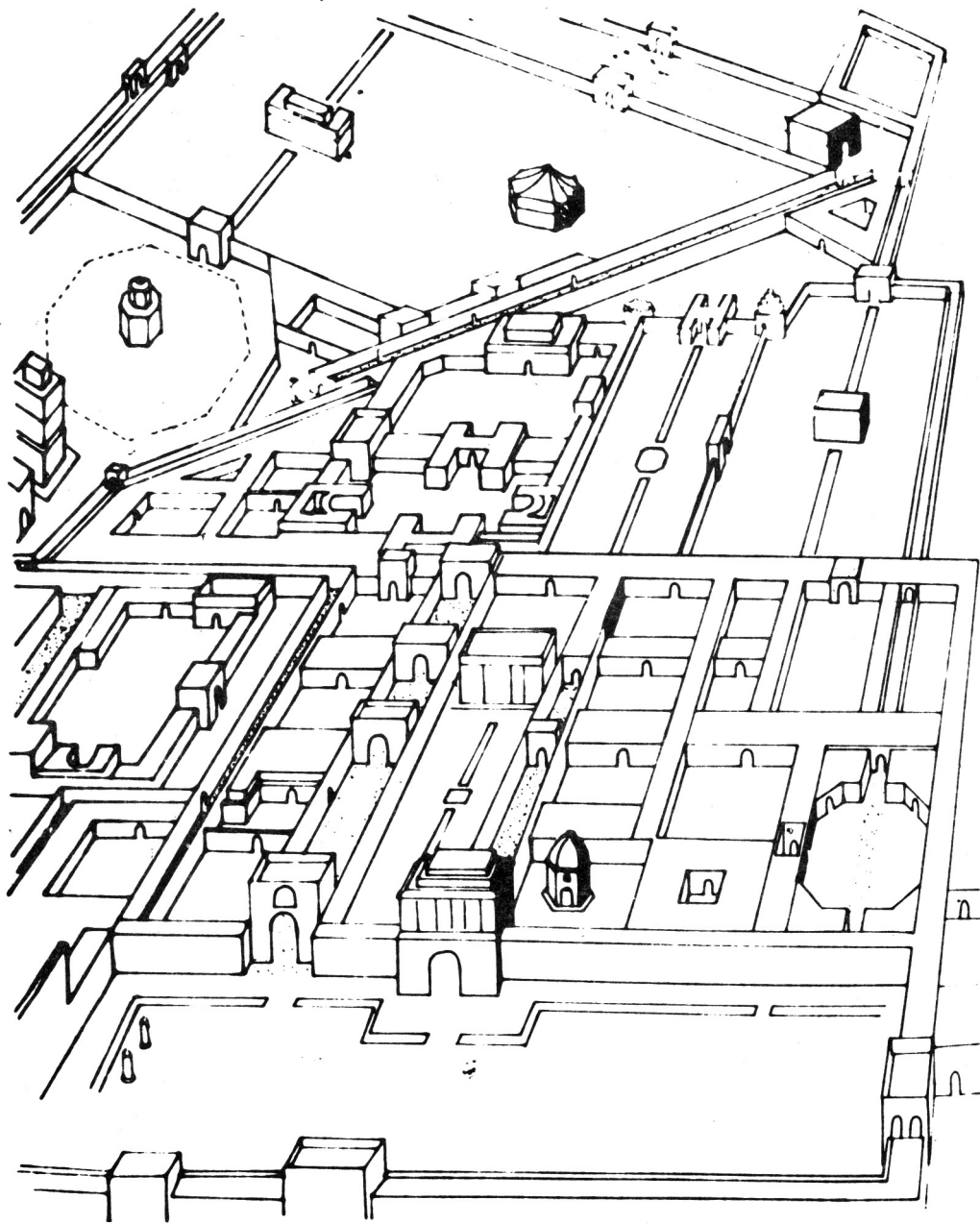


تالار تیموری (۱) و میدان چهارحوض (۲) و باغ جهاستون

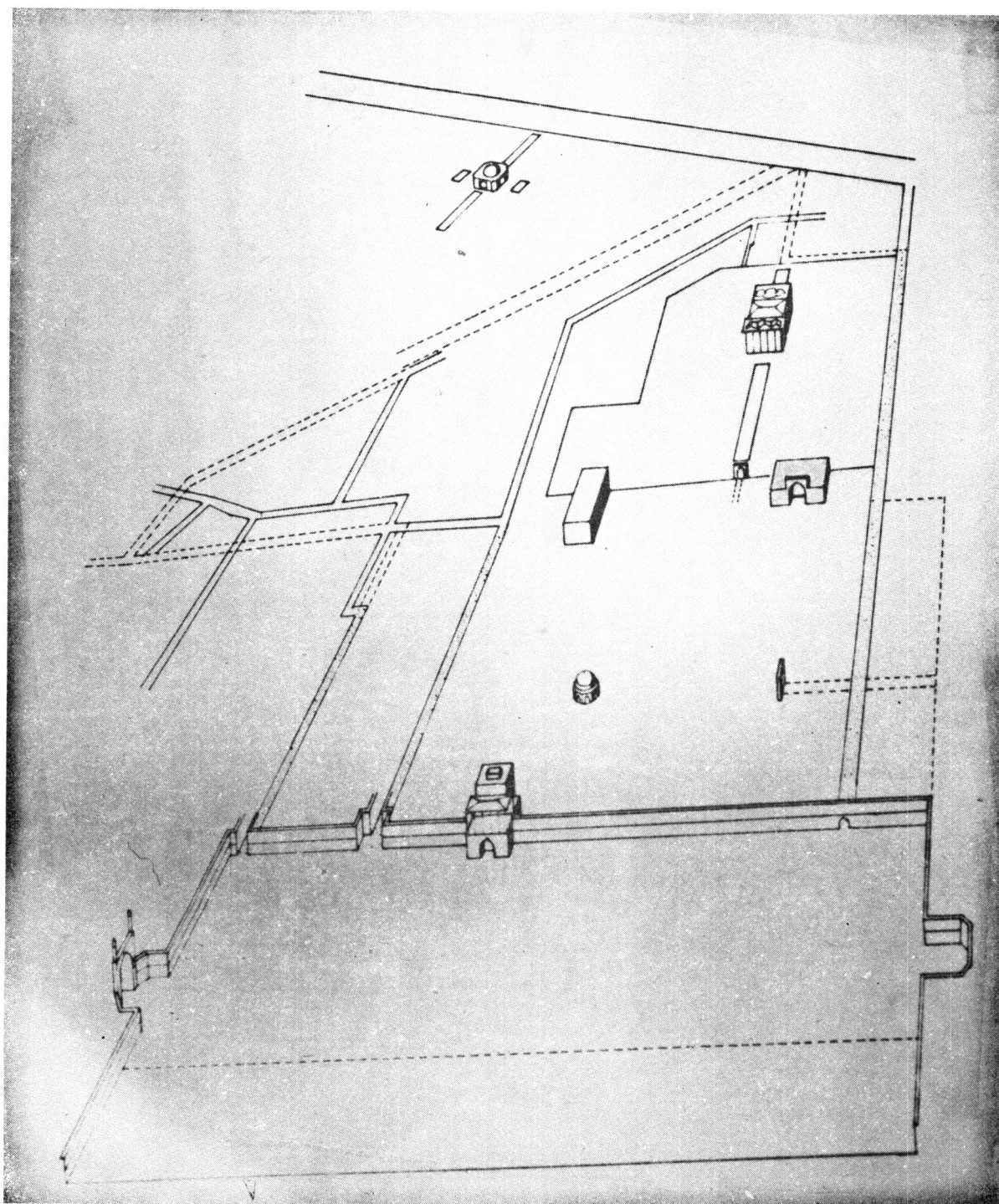
نقشه بازسازی - مهندسین مشاور خاص



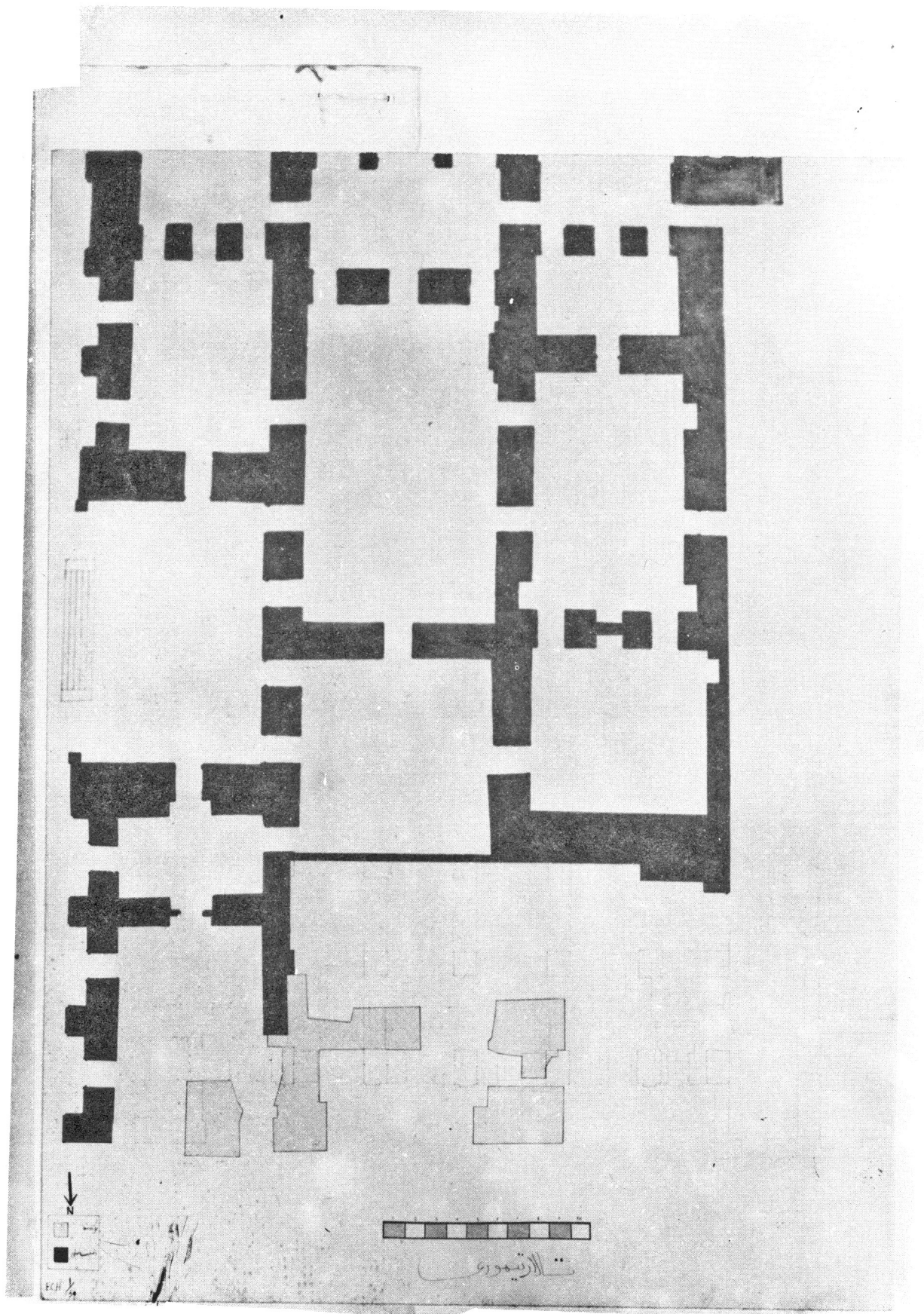
نقشه مجموعه سلطنتی صفوی در اصفهان که توسط انگلیت کمپفر در زمان سلطنت شاه سلیمان صفوی ترسیم گردیده و شماره ۱ در این نقشه بنام دفتر خانه نوشته شده است .



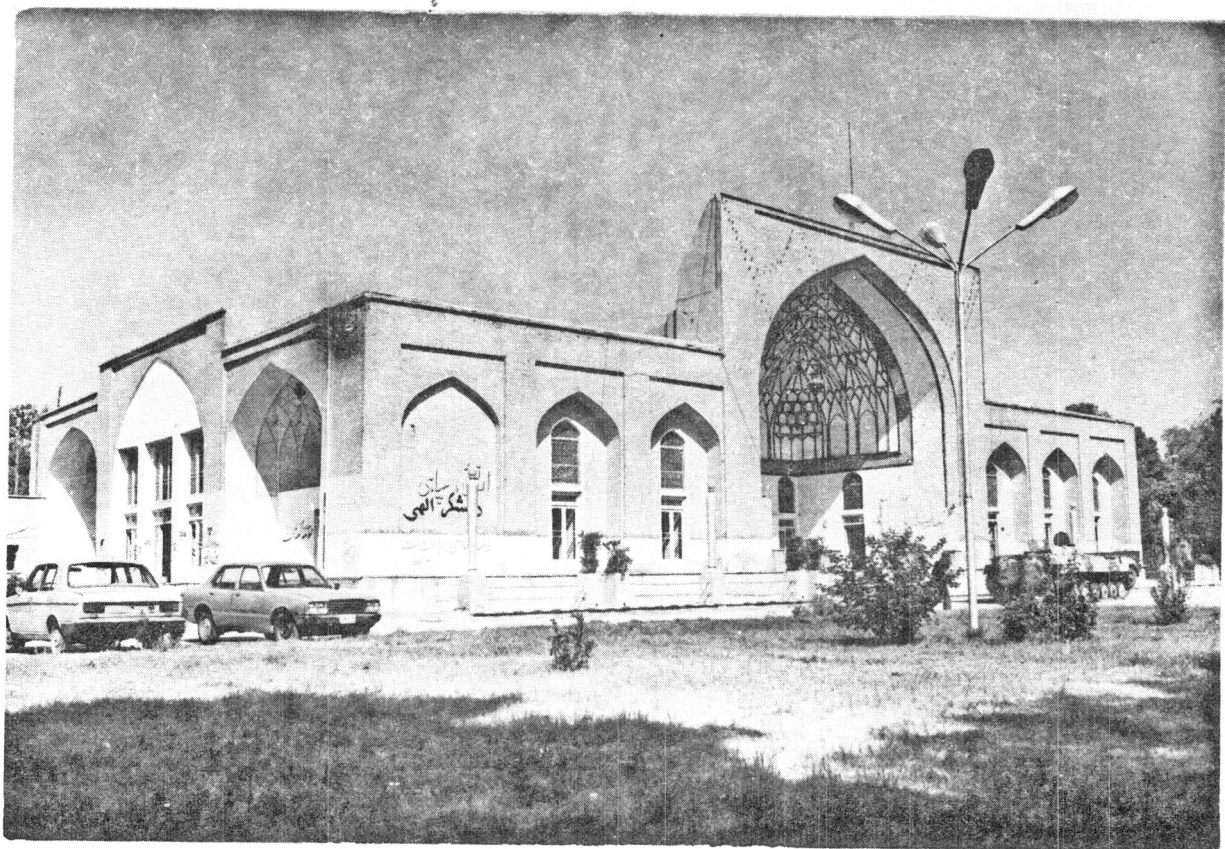
نقشه انگلیرت کمپفر از مجموع سلطنتی صفوی اصفهان - اقتباس از اوژینو کالدیری



نقشه تفکیک بناهای مجموعه سلطنتی صفوی اصفهان بادر نظر گرفتن فواصل صحیح که توسط اوزینو گالدیری از روی

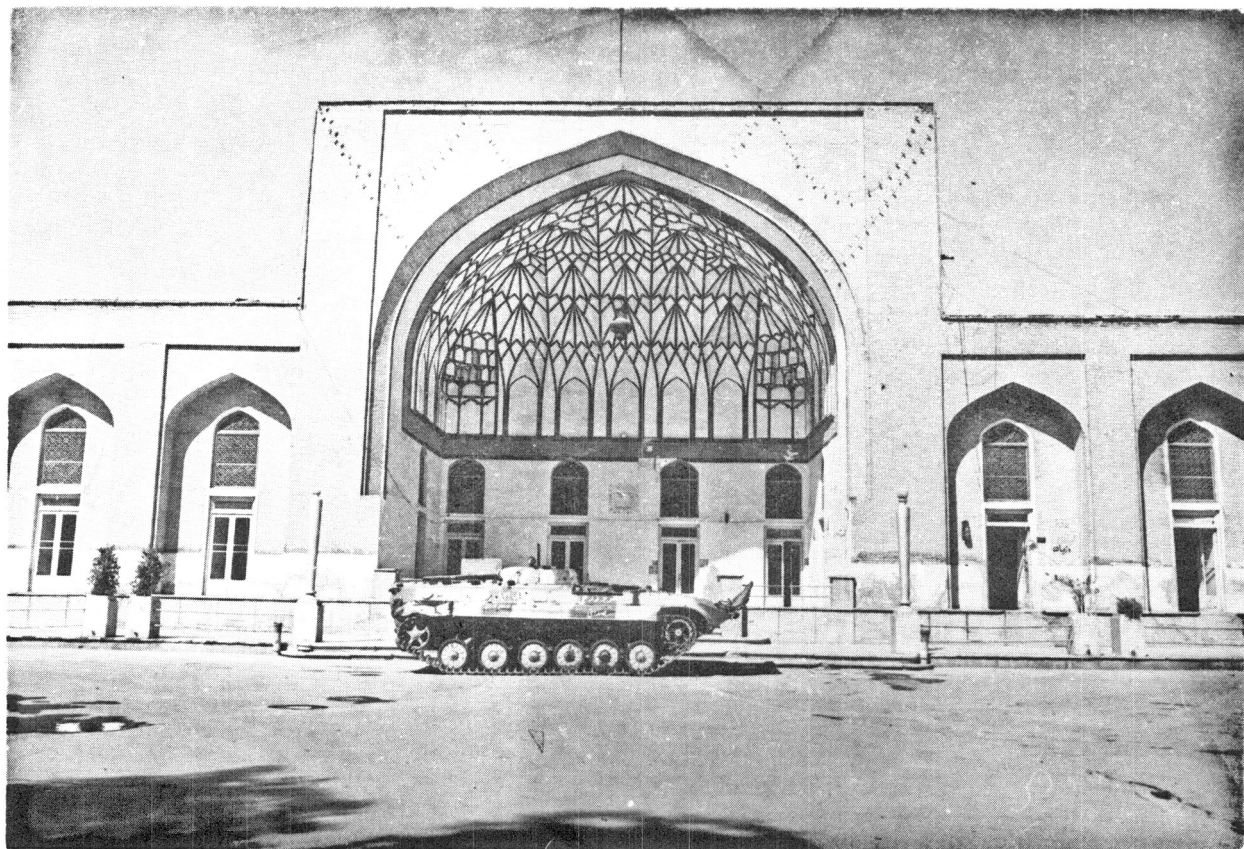


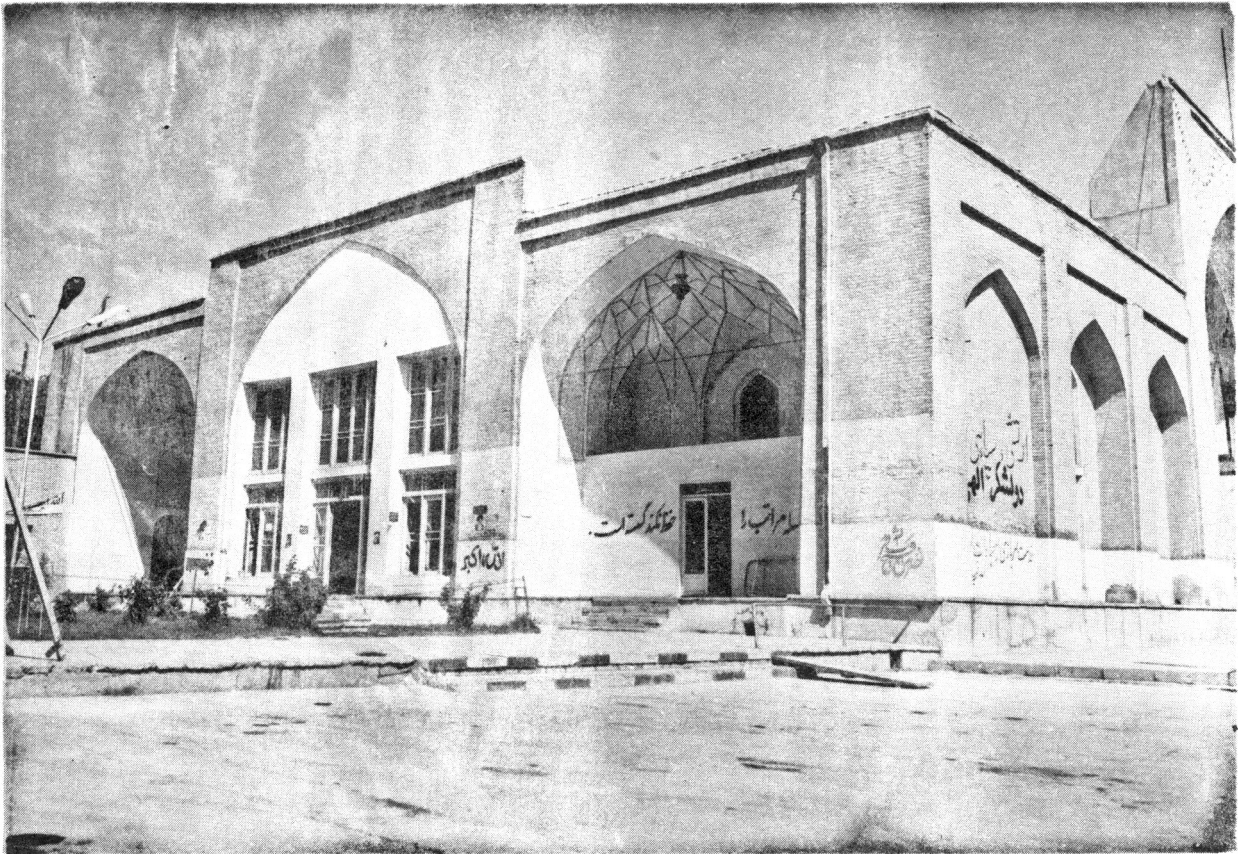
نقشه وضعیت فعلی تالار تیموری و محل گمانه‌زنی‌ها در شمال این بنا



نمای جبهه شرقی و جنوبی تالار تیموری

ایوان بزرگ در جبهه شرقی تالار تیموری





نمای جبهه جنوبی تالار تیموری

نمای الحاقات جبهه غربی تالار تیموری

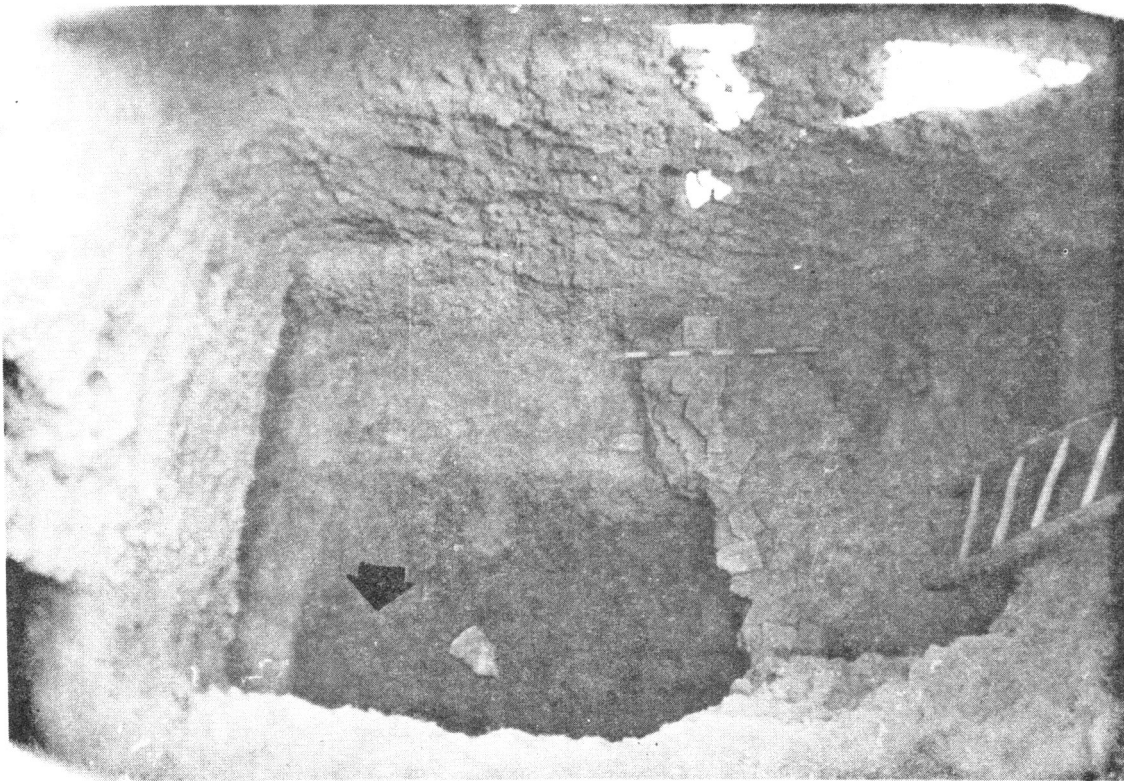




قسمت دیگری از نمای جبهه غربی تالار تیموری

نمای جبهه شمالی تالار تیموری - محل گمانه زنی‌ها در سال ۱۳۶۰

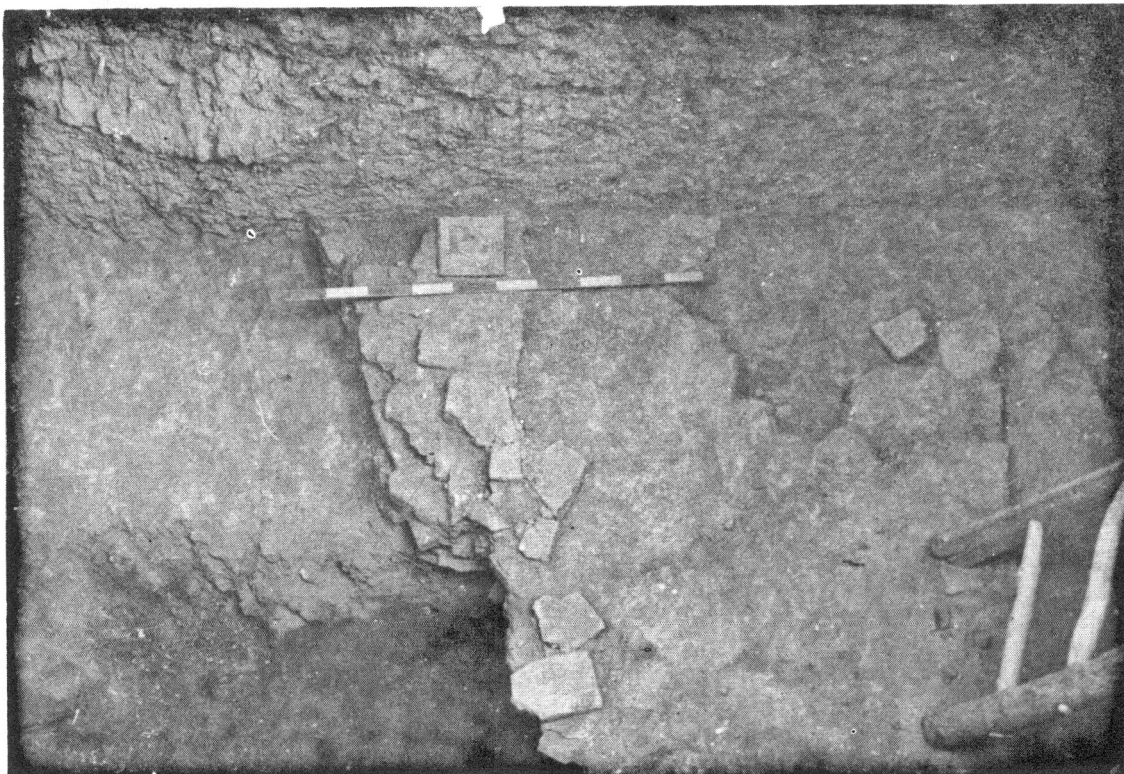


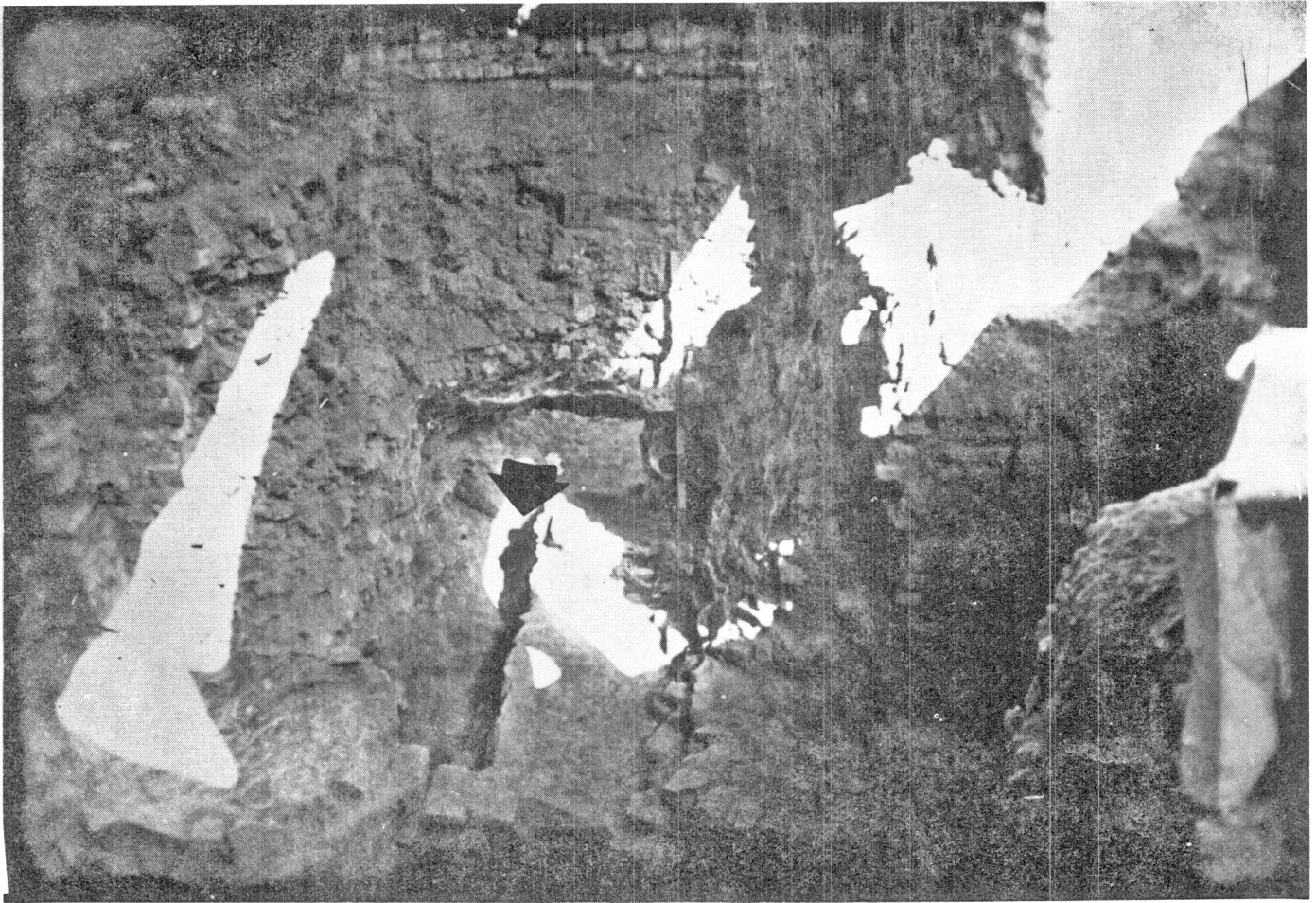


ترانشه p10 - بقایای بنیان دیوار شرقی غربی شماره ۱ - گردش آن بطرف جنوب به ترانشه 11

با فلش نشان داده شده است .

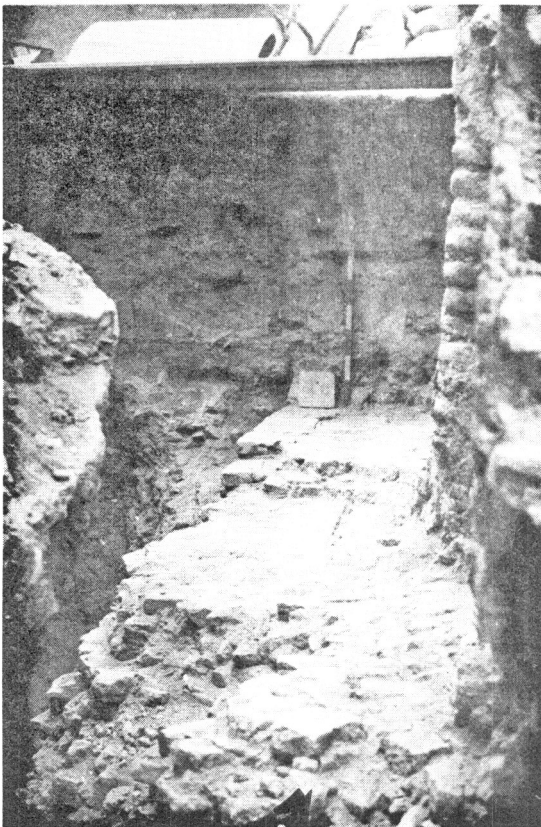
نحوه چیده شدن آجر و سنگ بصورت لایه های یک در میان در ترانشه p10





ادامه دیوار شرقی غربی شماره ۱ بطرف جنوب در ترانشه ۱

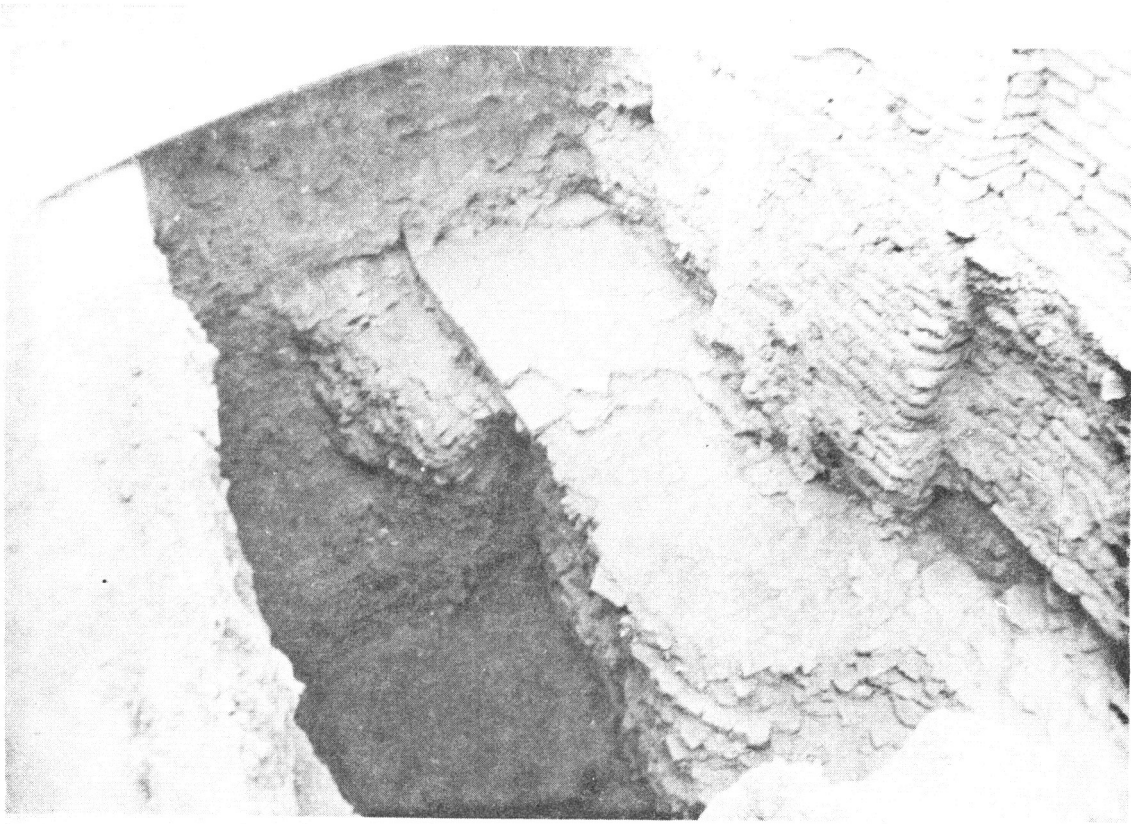
P11 با فلش مشخص گردیده است .



دیوار شرقی غربی شماره ۲ از ترانشه P11 تا ترانشه Q11

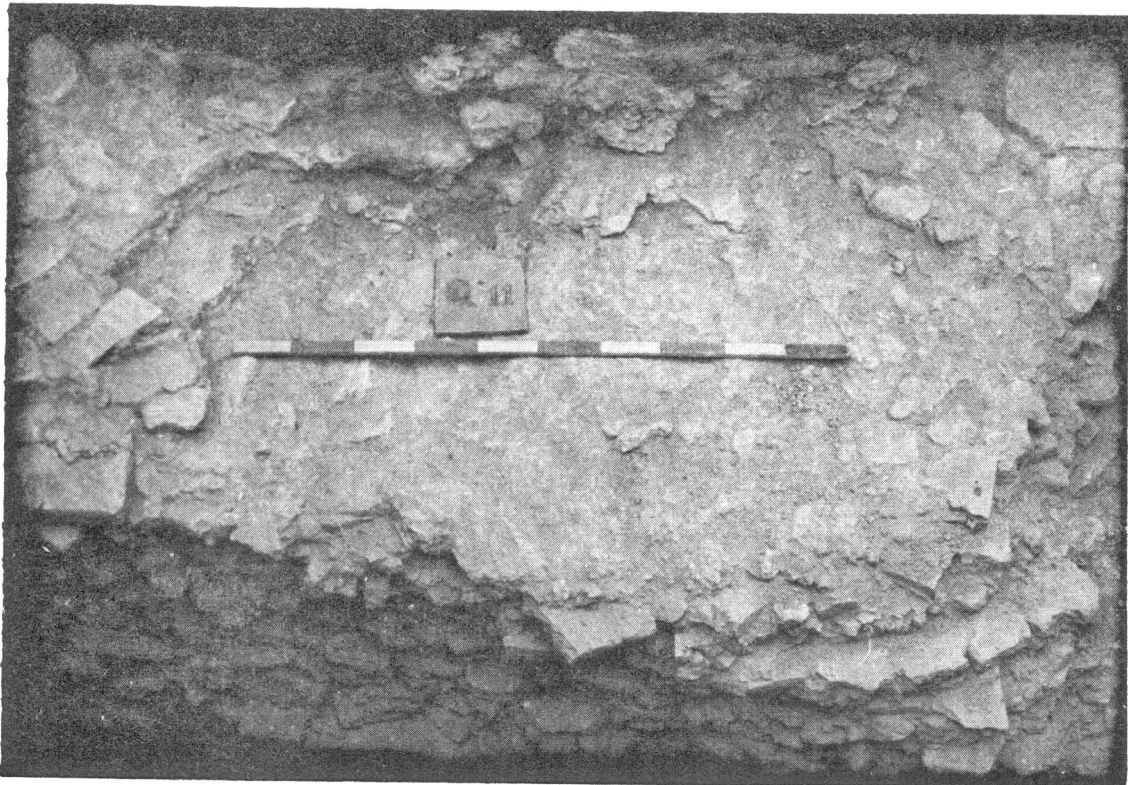
ادامه یافته و بصورت اغنا به دیوار داخل ترانشه R1^o متصل

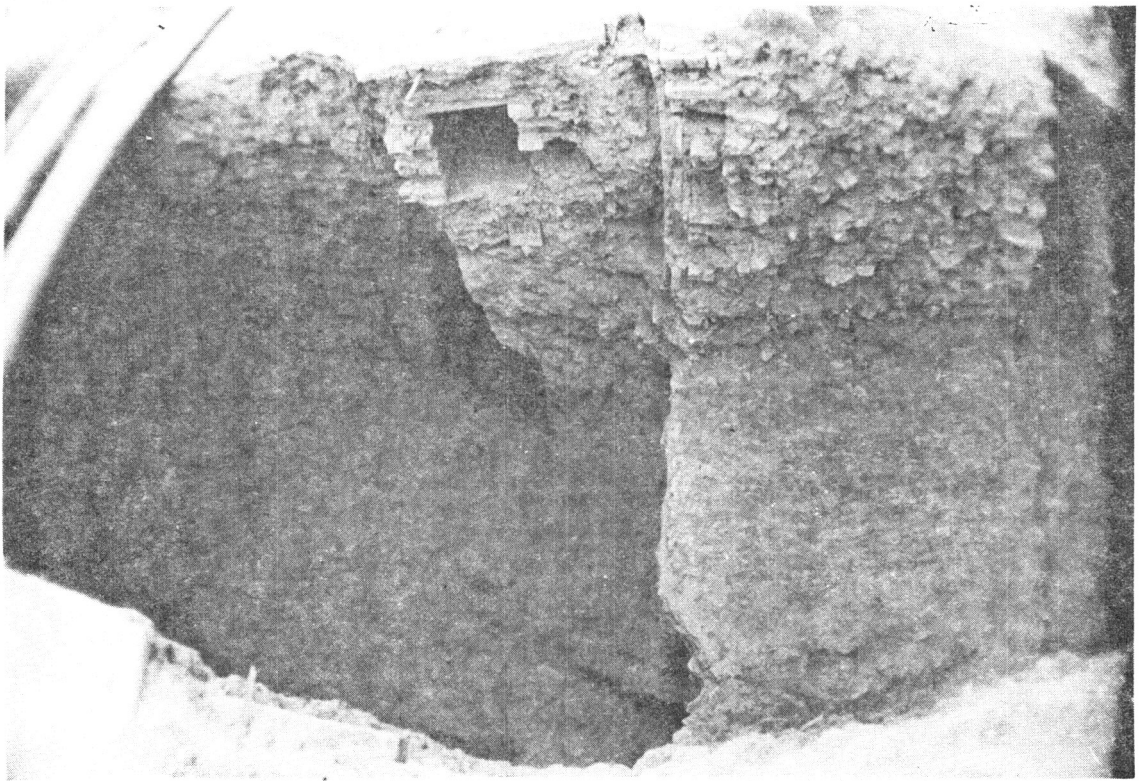
می گردد . این اتصال با فلش نشان داده شده است .



ترانشه Q11 و نحوه فرار گیری جوز قاچاری به روی آن

نحوه آجرچین دیواره شماره ۲ در ترانشه Q11

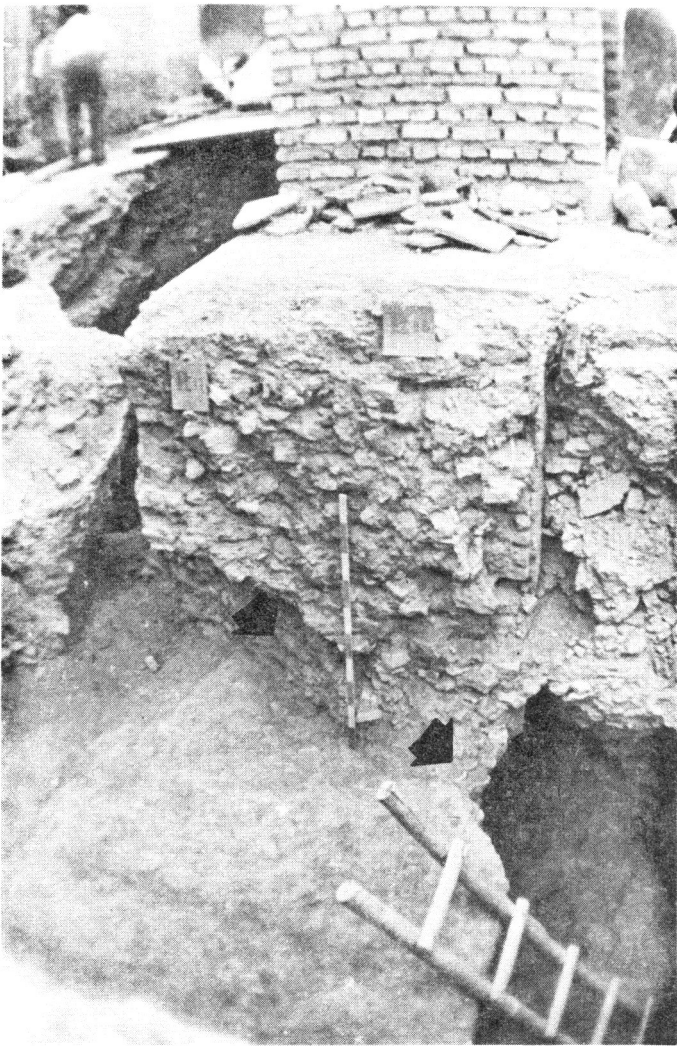




ترانشه R1۵ - سنگ و آجرچین دیوار شرقی غربی شماره ۱ بصورت لایه های یک در میان

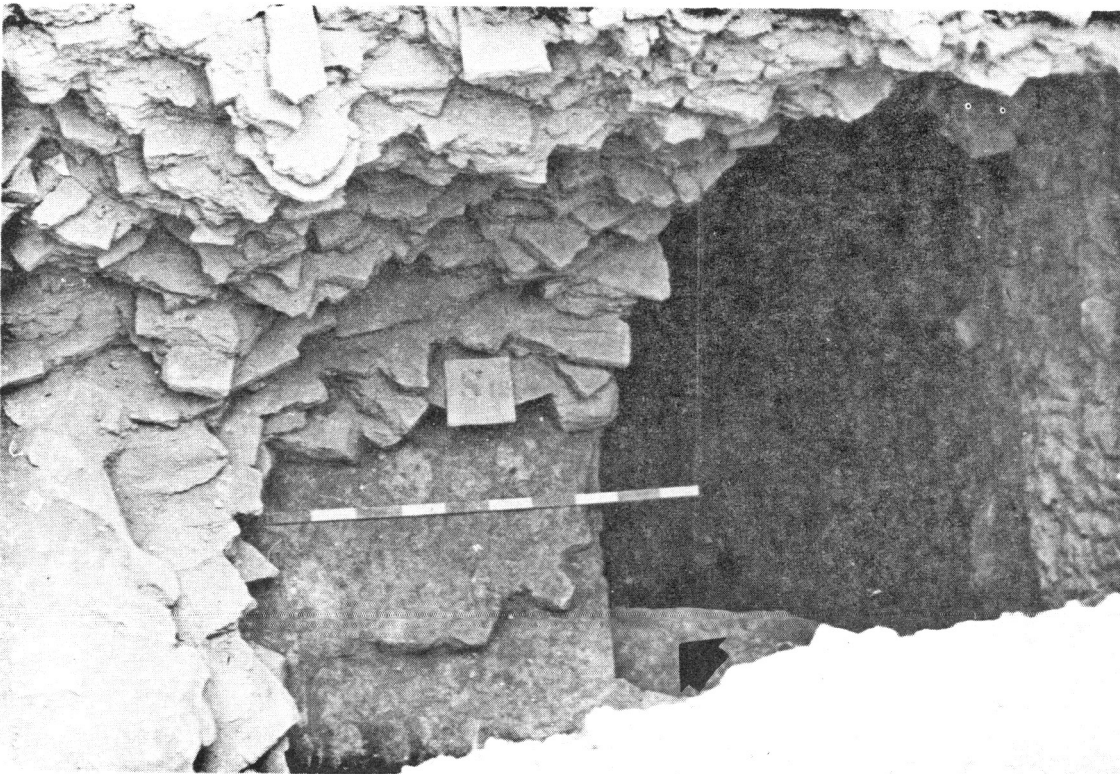
نحوه چین لاشه سنگ و آجر در ترانشه R1۵

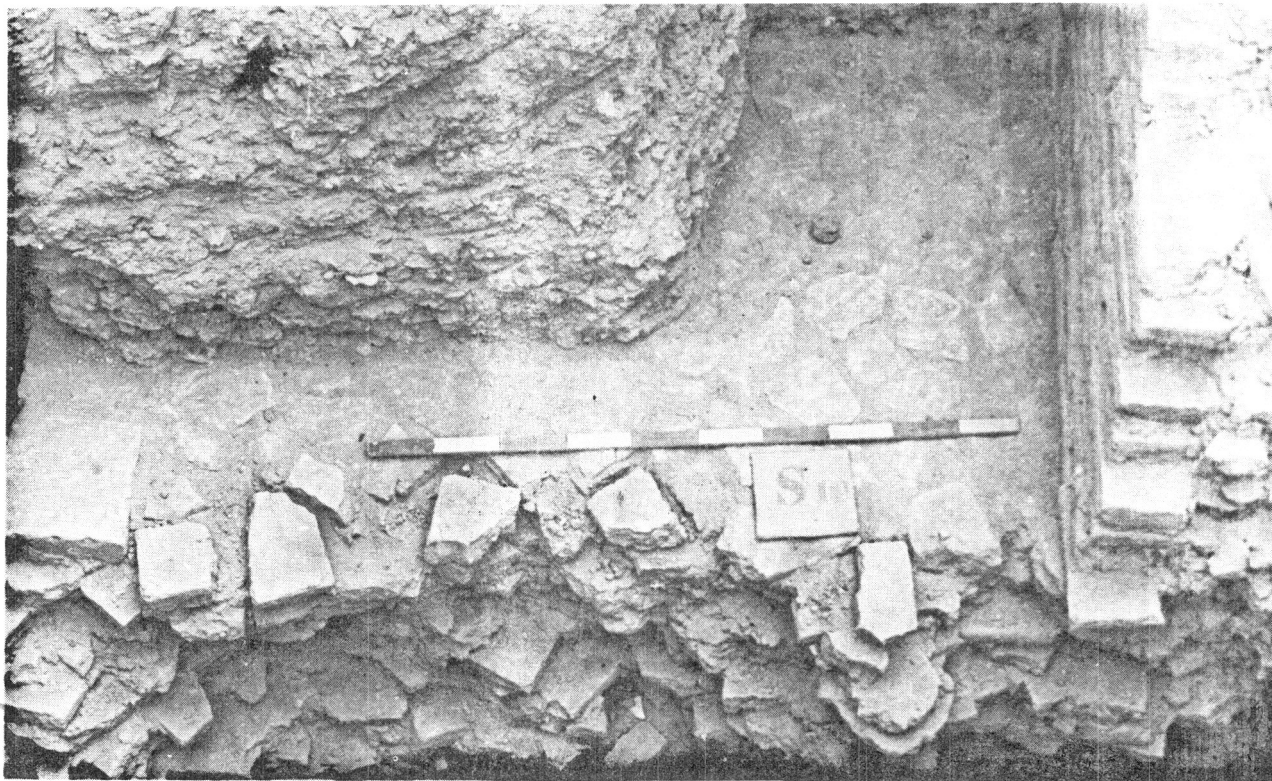




دیوار شرقی غربی شماره ۱ که از ترانسه P1° و R1° تا ترانسه S1° ادامه می‌یابد. محل خاک‌بکر در این ترانسه با فلش نشان داده شده است.

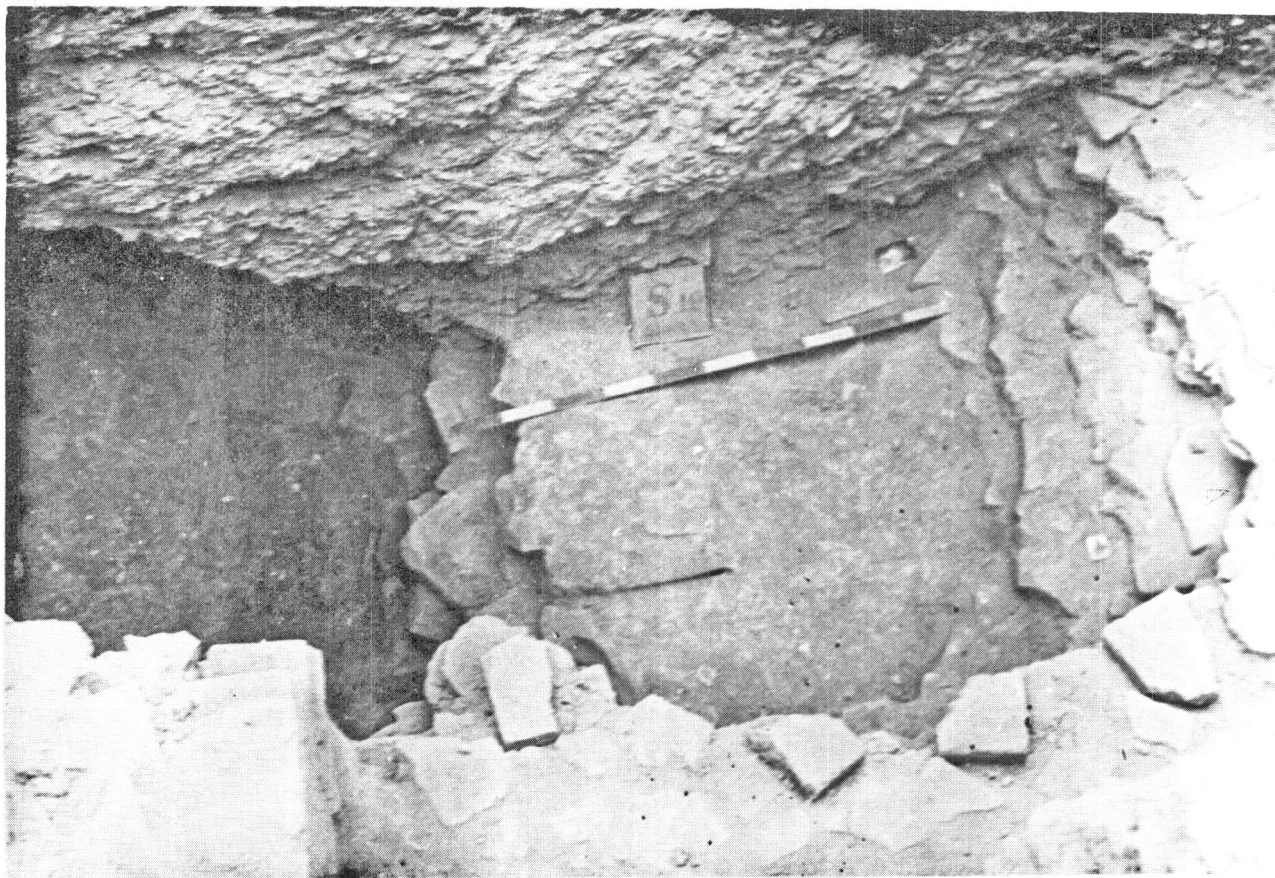
در قسمت فوقانی دیوار منحنی بقایای جرز قاجاری دیده میشود. مسیر دیوار منحنی در ترانسه R1° و ادامه آن در زیر جرز قاجاری تا ترانسه Q1° با فلش نشان داده شده است.

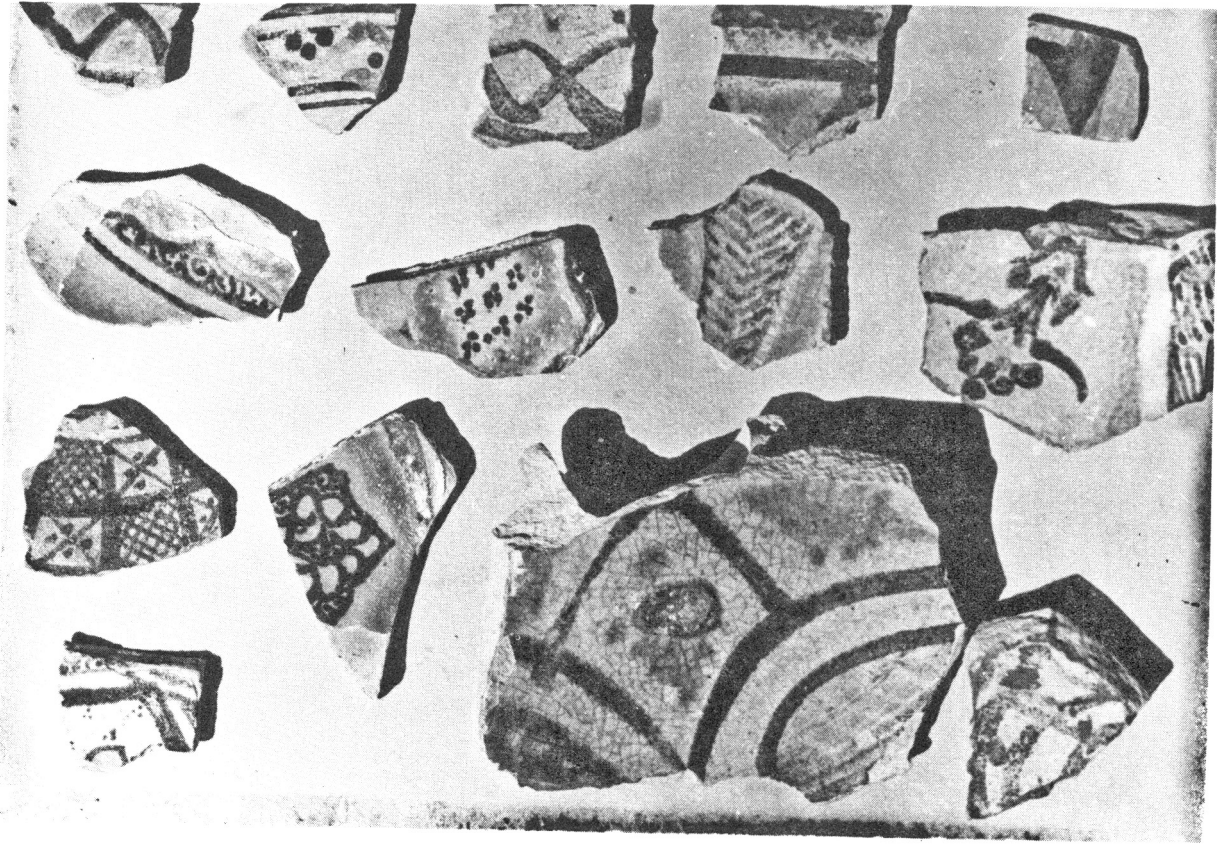




ترانشه S1 و ادامه دیوار شرقی غربی شماره ۱

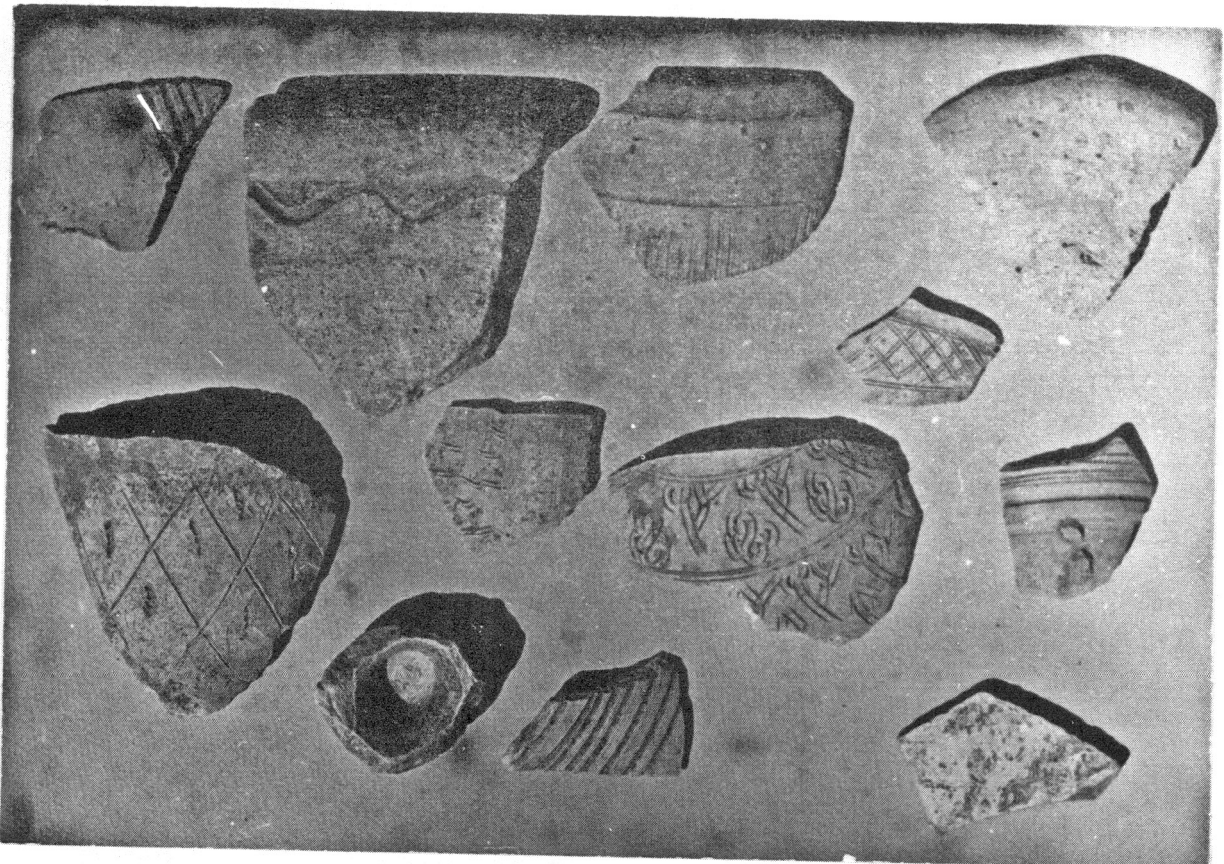
ترانشه S1 پی چینی این دیوار نیز همچون ادامه آن در ترانشه های P19 و R1 بصورت آجر و سنگ چین در لایه های یک در میان است .

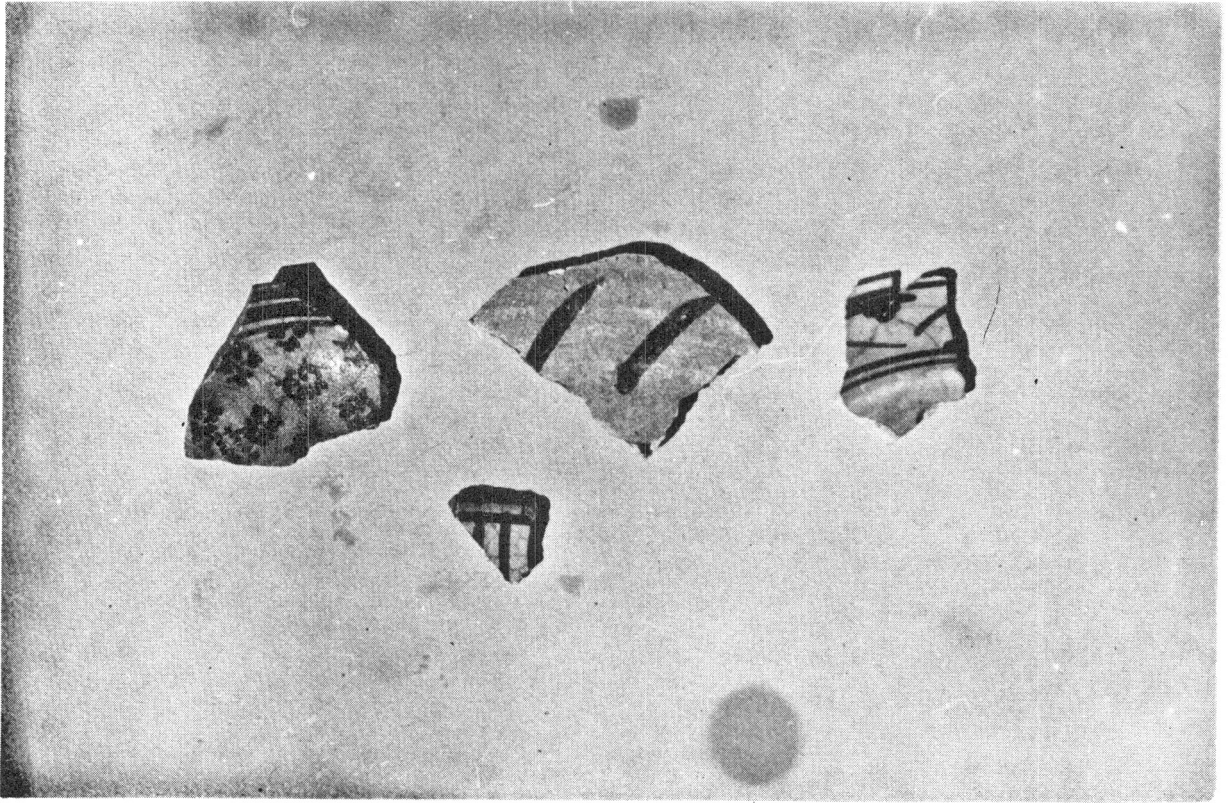




نمونه‌هایی از ظروف بدون لعاب - قرن هفتم و هشتم هجری

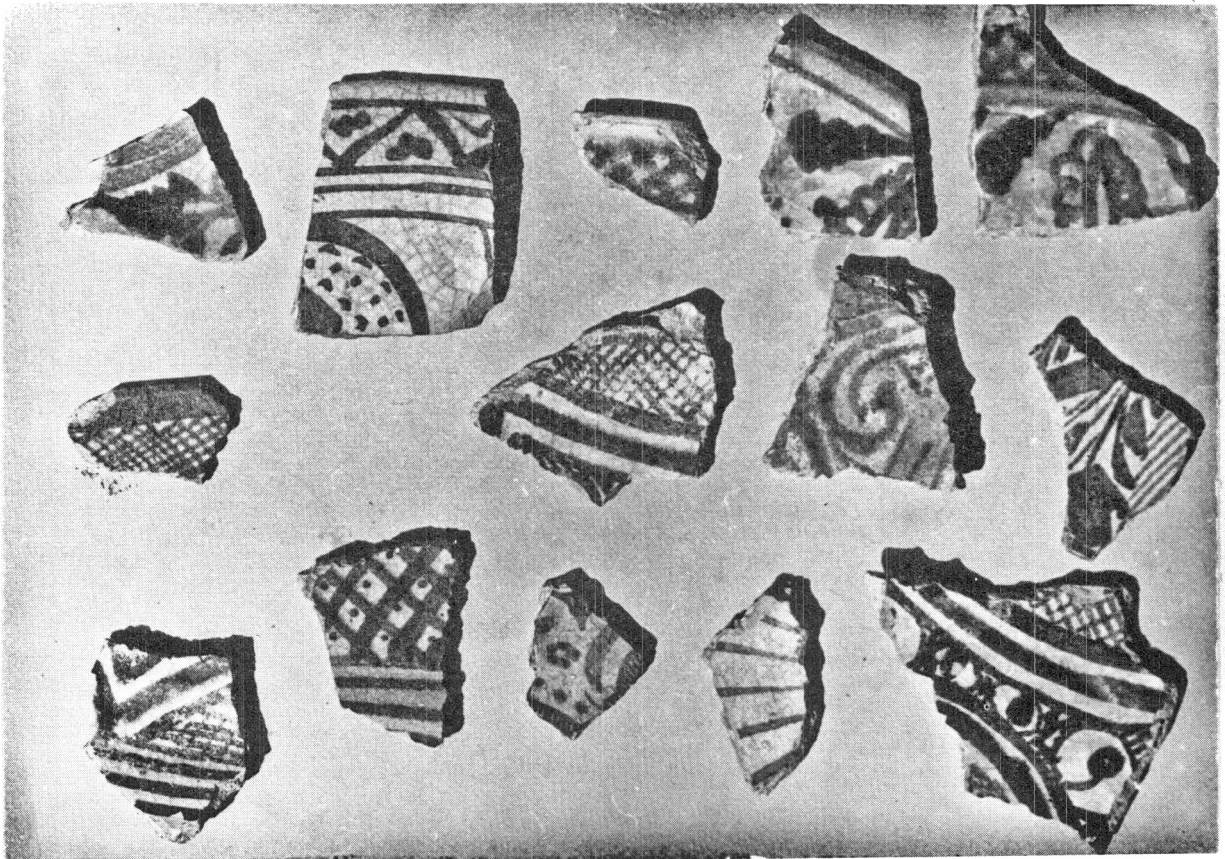
نمونه‌هایی از ظروف با نقوش زیر لعاب (under glaze painted wares) قرن هفتم و هشتم هجری

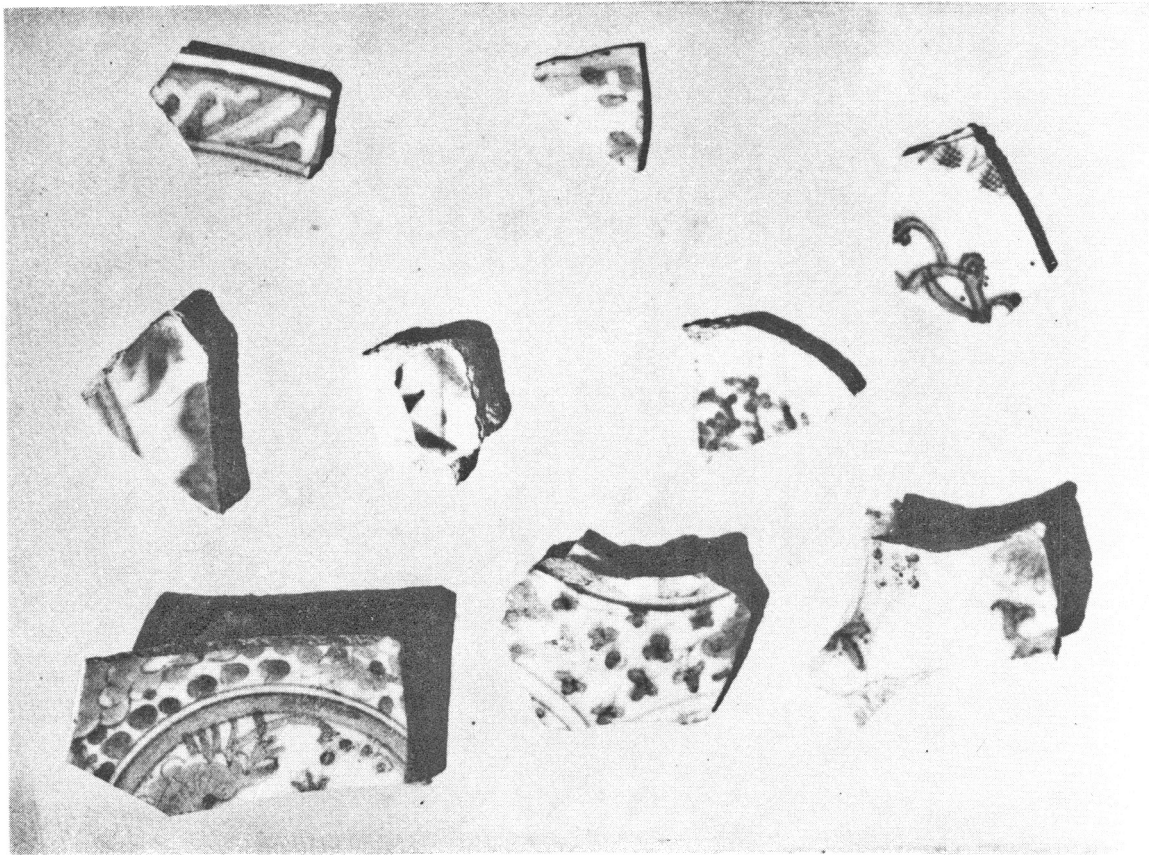




نمونه‌هایی از ظروف با نقوش سیاه زیر لعاب فیروزه‌ای - دوران تیموری

نمونه‌هایی از ظروف نوع اولیه آبی و سفید - قرن هشتم و نهم هجری

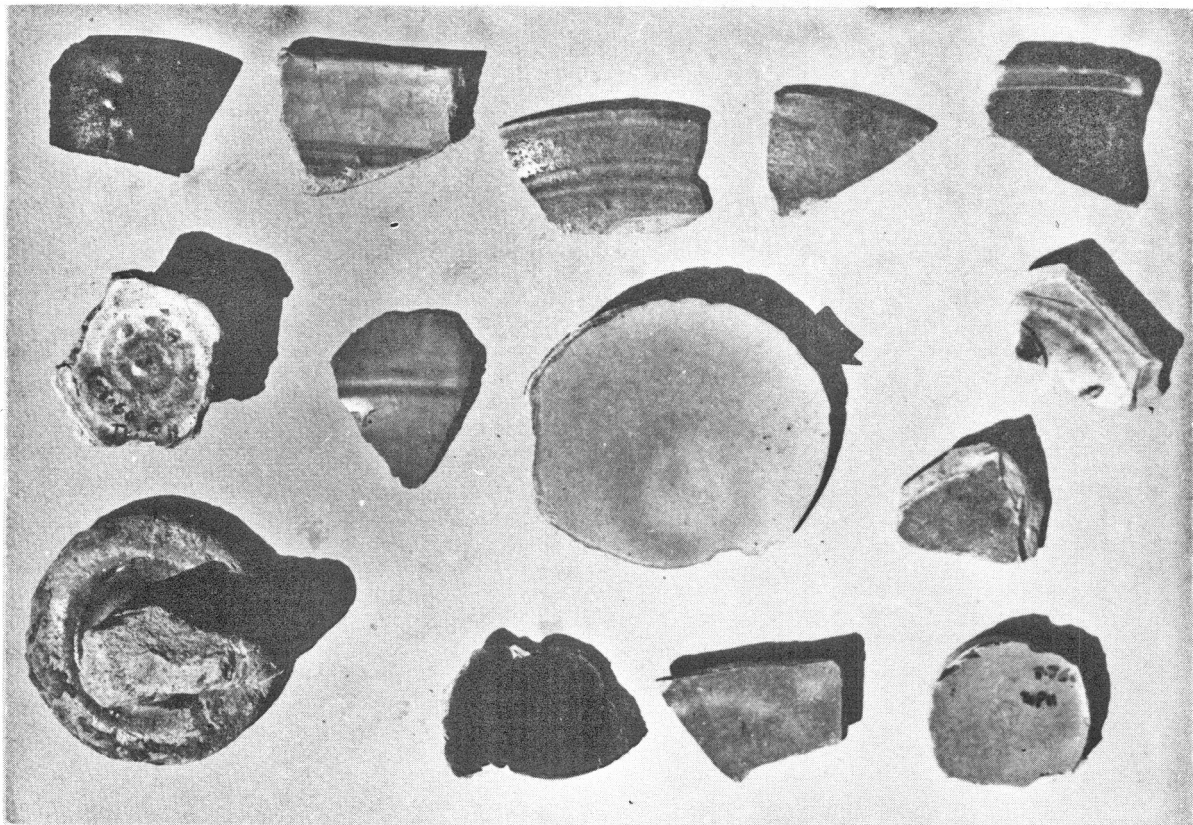


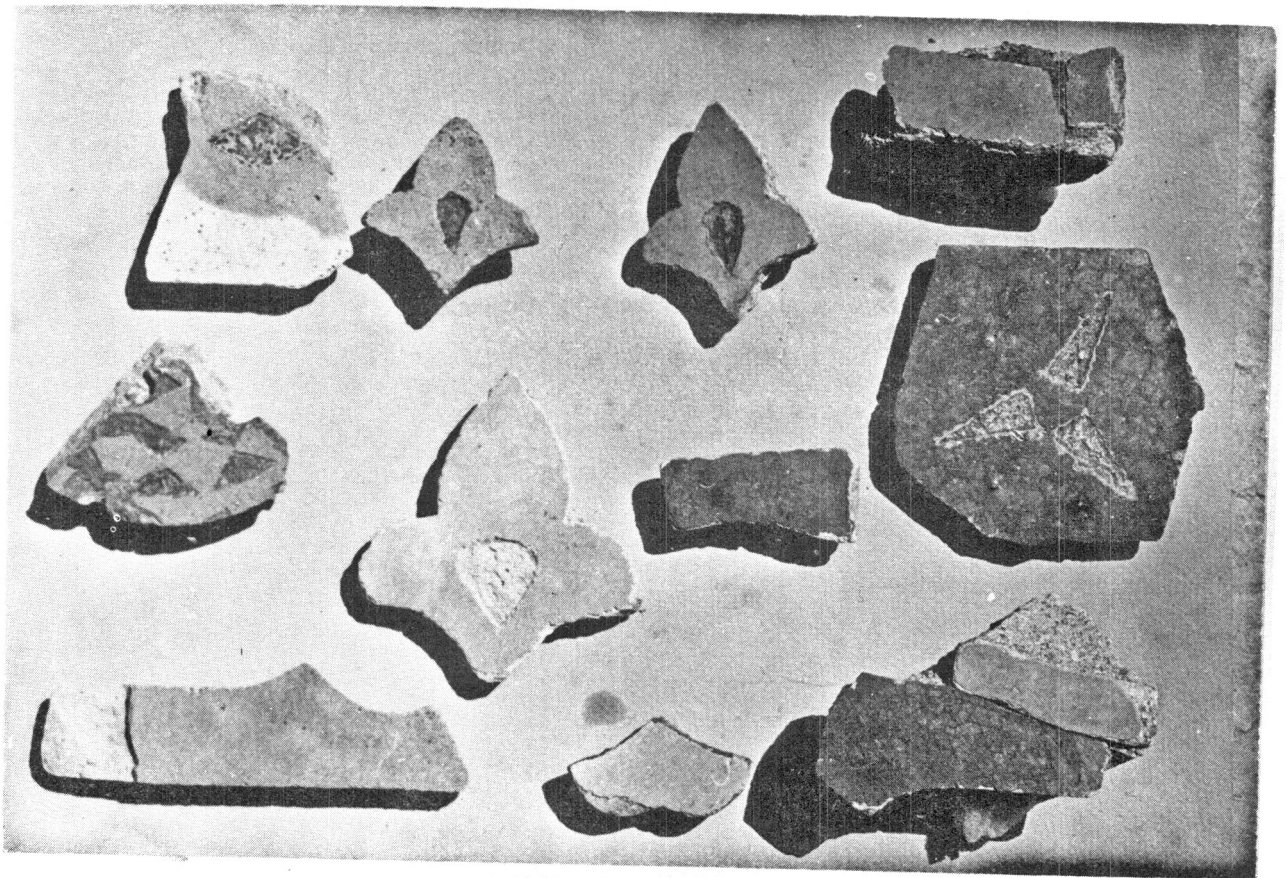


نمونه‌هایی از ظروف نوع متاخر آبی و سفید (blue and white wares) دوران صفوی

نمونه‌هایی از ظروف با لعاب یک‌رنگ (Monochrom wares) اوایل صفوی و یک نمونه سلادن

که با فلش نشان داده شده است - اواخر دوران تیموری و اوایل دوران صفوی



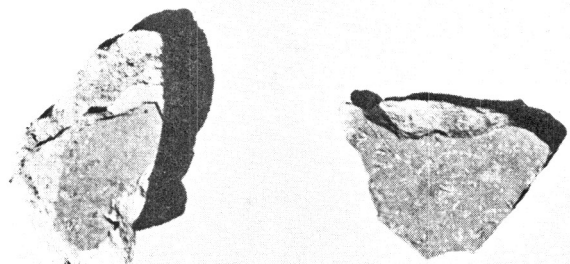
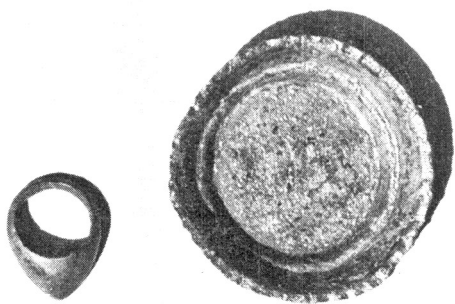


نمونه‌هایی از کاشیهای معرق و لعاب پیران بدست آمده از حفریان - دوران تیموری و صفوی

سفیدآبدان و انگشتر مفرغی مکشوفه در کاوشها - دوران صفوی

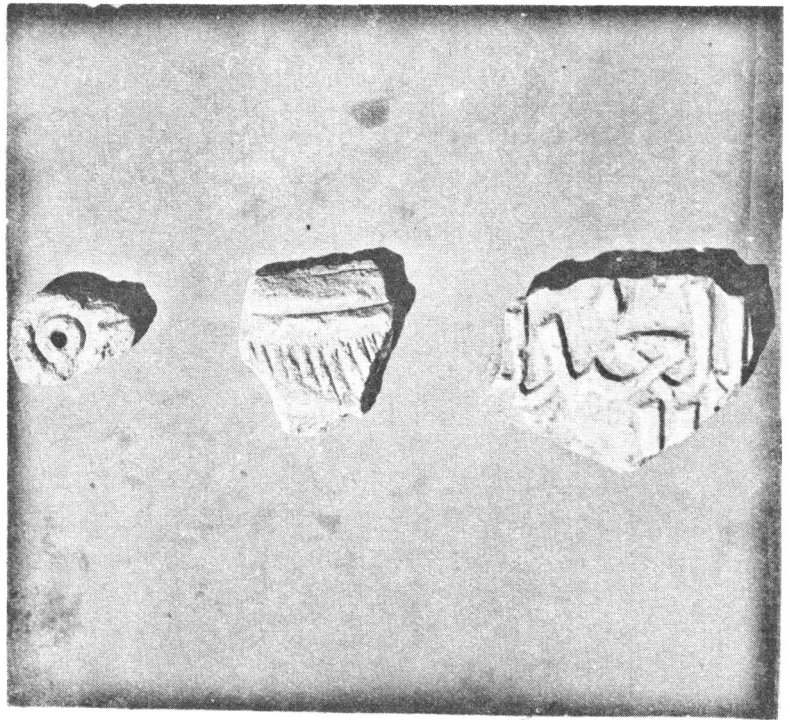
دو نمونه کاشی فیروزه‌ای که بوسیله نقوش طلایی تزیین گرد

است - دوران تیموری



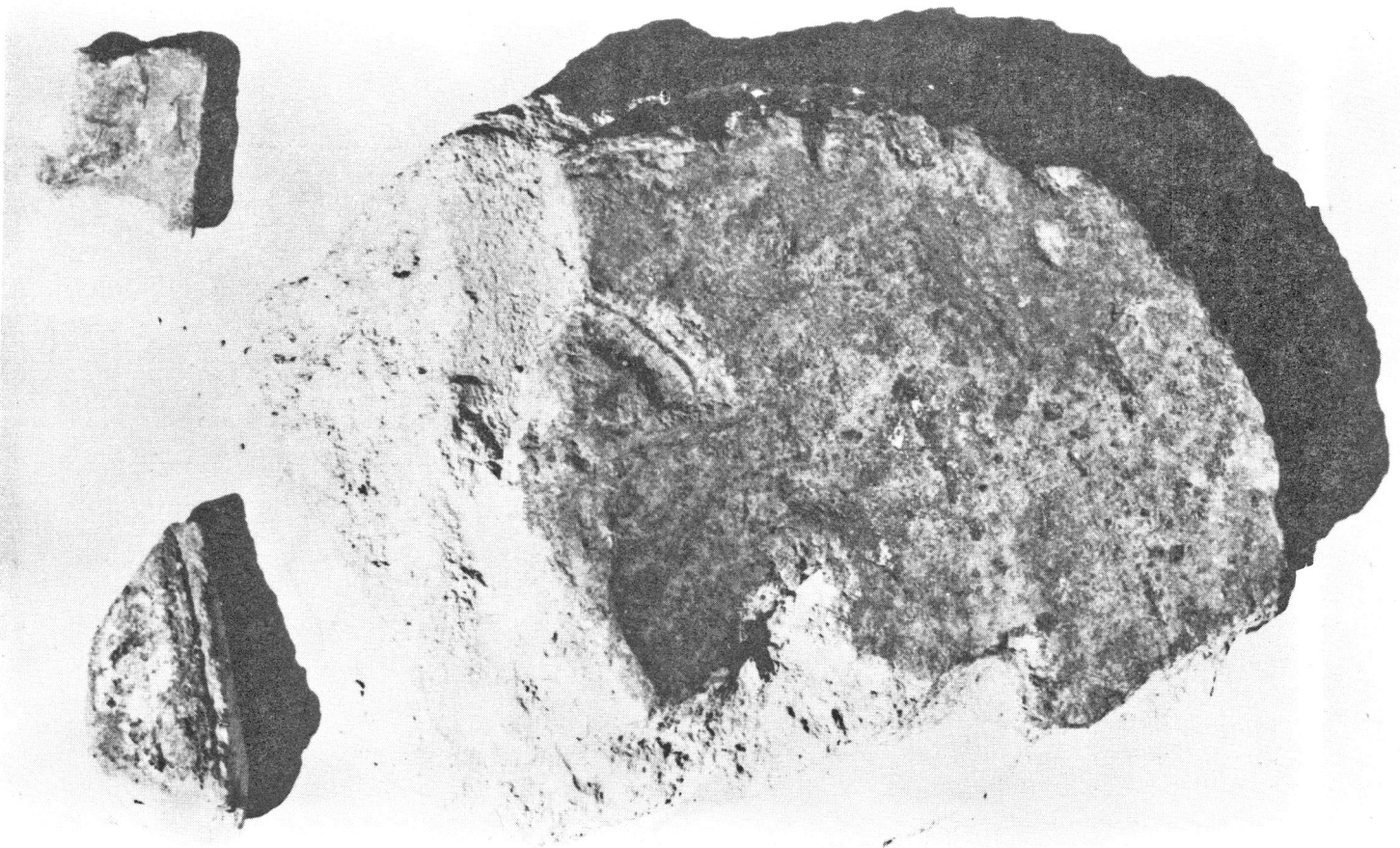


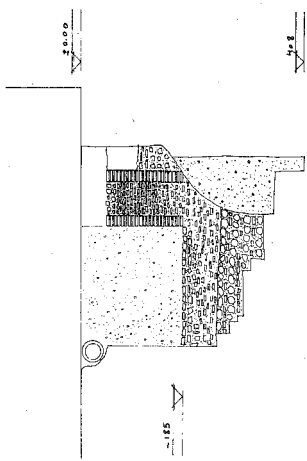
طرز قرار گیری انگشتر در انگشت شست



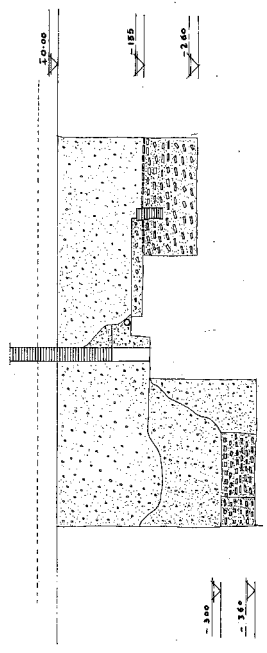
تزئینات کجبری بافت شده در کاوشهای تالار تیموری

تزئینات نقاشی مکشوفه در حفریات - دوران تیموری

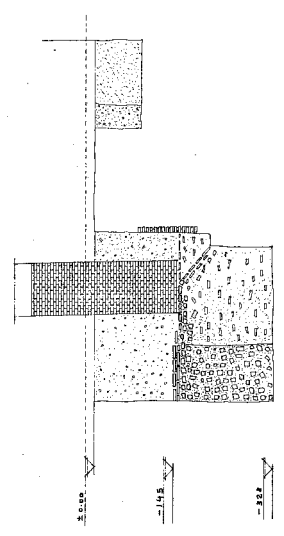




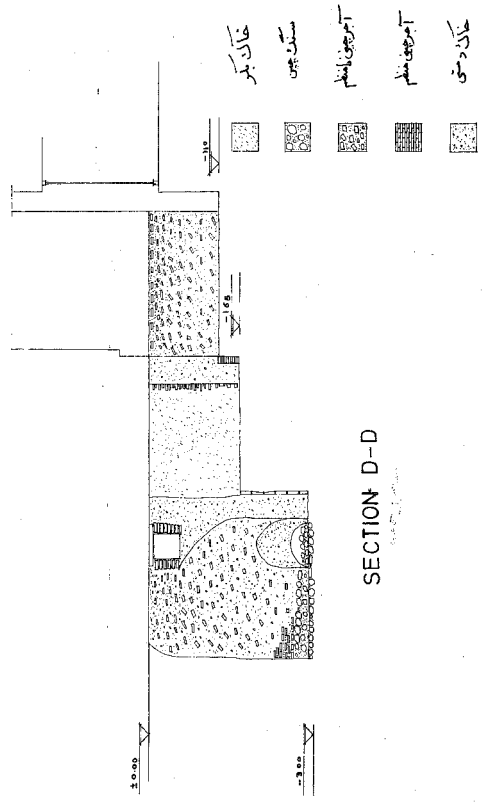
SECTION A-A



SECTION B-B



SECTION C-C



SECTION D-D

- خاکد بکر
- سنگل بکر
- آرمیچن بکر
- آرمیچن سنگ
- خاکد سنی

زیرنویس

- ۱- بنای تالارتیموری هم اکنون محل استقرار دژبانی منطقه اصفهان می باشد و تنها جبهه شمالی آن در اختیار هیئت قرار داده شده است .
- ۲- هنرفر - لطف الله - گنجینه آثار تاریخی اصفهان - اصفهان - انتشارات کتابفروشی ثقفی ۱۳۵۰ - ص ۳۲۸ .
- ۳- گذار، آندره، آثار ایران - جلد دوم ، جزء اول - ترجمه محمدتقی مصطفوی - تهران - انتشارات اداره باستانشناسی ۱۳۱۸ - ص ۱۳
- ۴- ا. ج. آربری در مقاله‌ای تحت عنوان تاریخنگاری عهد تیموری (ر. ک . تاریخنگاری در ایران - ترجمه یعقوب آژند - تهران - نشر گستره - ۱۳۶۰ - ص ۸۸) می نویسد : " یزدی به شاهرخ پسر تیمور که در سالهای ۷ - ۱۴۰۵ میلادی حکومت کرده نزدیک بوده و از حمایت ویژه نوه او ابراهیم سلطان برخوردار بوده است وی بعدها به اتهام شرکت در طغیان سلطان محمد مورد سوءظن شاهرخ قرار گرفت وی با پا در میانی میرزا عبداللطیف پسر الغ بیک که به او در سمرقند پناه داده بود از مرگ رهایی یافت تا به شهر بومی خود یزد مهاجرت کند و در آنجا در سال ۱۴۵۴ میلادی در گذشت . "
- ۵- طبرک قلعه دوره دیالمه اصفهان است که در منتهی الیه شرق شهر قرار داشت .
- ۶- یزدی ، مولانا شرف الدین علی - ظفرنامه - جلد اول - به تصحیح و اهتمام محمد عباسی تهران - انتشارات امیرکبیر - ۱۳۳۶ - ص ۳۱۲-۳۱۳ .
- ۷- ظفرنامه - جلد اول - ص ۳۱۳-۳۱۴
- ۸- ابن عربشاه - زندگانی شگفت آور تیمور (ترجمه کتاب عجایب المقدورفی اخبار تیمور) - ترجمه محمد علی نجاتی تهران - بنگاه ترجمه و نشر کتاب - ۱۳۵۶ - ص ۴۹
- ۹- همان کتاب - همان ص
- ۱۰- آثار ایران - جلد اول - ص ۱۳
- ۱۱- تمدن ایرانی - نوشته چندتن از خاورشناسان فرانسوی - ترجمه عیسی بهنام - تهران - بنگاه ترجمه و نشر کتاب ۱۳۴۶ - ص ۲۸۳ .
- ۱۲- غیاث الدین بن هماد الدین الحسینی (خواندمیر) - حبیب السیر - جلد سوم - به کوشش محمود دبیرسیاقی تهران - انتشارات کتابفروشی خیام - ۱۳۵۳ - ص ۴۴۱ .
- ۱۳- ظفرنامه - جلد اول - ص ۳۲۰
- ۱۴- بطور کلی باغسازی یکی از اجزاء لاینفک معماری ایرانیست و از کهن ترین ایام این علاقه و میل به ایجاد فضای سبز در میان ایرانیان وجود داشته و نامهای که اکثر پادشاهان قبل از صفویه و بعد از آن بر روی باغها گذارده اند سابقه‌ای تاریخی دارد . حتی تیمور نیز هنگام ساختمان شهر سمرقند این نامها را بکار برده چنانکه دونالد ویلبر می نویسد : " تیمور در اطراف سمرقند پایتخت خود به احداث حلقه‌ای از باغهای سلطنتی مبادرت ورزید این تفرجگاهها عبارت بود

- از: باغ شمال ، باغ ارم ، باغ بهشت ، باغ چنار ، باغ دلگشا ، باغ نو ، باغ جهان نما ، باغ نقش جهان
- " (ویلبر دونالد - باغهای ایران و کوشکهای آن - ترجمه مهین دخت صبا ، تهران بنگاه ترجمه و نشر کتاب ، ۱۳۴۸ ص ۶۷) با در نظر گرفتن این موضوع که نام اکثر باغات در بیشتر شهرهای کهنسال ایران به ترتیب فوق بوده باغ نقش جهان نیز مربوط به دوره دیلمیان و یا حداقل سلجوقیان می باشد ، بنابراین تیمور نیز از همین نامها استفاده نموده است .
- بعدها در دوره صفویه این باغات گسترش یافته بناهای زیادی در آن احداث گردید .
- ضمناً " برای اطلاع بیشتر از باغات کهن اصفهان به کتاب زیر مراجعه شود :
- مفضل بن سعد بن حسین مافروخی - ترجمه محاسن اصفهان - ترجمه ابی الرضا آوی - تهران - مجله یادگار ۱۳۲۸ .
- ۱۵ - ظفرنامه - جلد اول - ص ۴۴۲ - ۴۴۳
- ۱۶ - حبیب السیر - جلد سوم - ص ۵۷۱ و همچنین ر . ک
- جابری انصاری ، حاج میرزا حسین - تاریخ ری و اصفهان و همه جهان - تهران - انتشارات روزنامه خرد - ۱۳۲۱ -
- ص ۱۶۱ حاشیه در ذیل وقایع سال ۸۰۵ هجری قمری .
- ۱۷ - حسینی فسائی ، حاج میرزا حسن - تاریخ فارسنامه ناصری - انتشارات کتابخانه سنائی (چاپ سنگی) - ص ۶۸ .
- ۱۸ - همان کتاب ص ۷۰
- ۱۹ - رفیعی مهرآبادی ، ابوالقاسم - آثار ملی اصفهان - تهران - انجمن آثار ملی - سال ۱۳۵۲ - ص ۳۸۷ .
- ۲۰ - تاریخ ری و اصفهان و همه جهان - ص ۲۴۶
- ۲۱ - تاریخ اصفهان و ری و همه جهان - ص ۳۴۶ - ۳۴۷
- ۲۲ - همان کتاب ، ص ۲۹
- ۲۳ - آثار ایران - جلد دوم - ص ۱۳
- ۲۴ - آثار ایران - جلد دوم - ص ۱۳
- ۲۵ - راوندی ، مرتضی - تاریخ اجتماعی ایران - مجلد دوم - تهران - انتشارات امیرکبیر - ۱۳۵۶ - ص ۳۶۳ .
- ۲۶ - شفقی ، سیروس - جغرافیای اصفهان - دانشگاه اصفهان - ۱۳۵۳ - ص ۲۲۹ ، ۲۳۰
- ۲۷ - آصف ، محمد هاشم (رستم الحکما) - رستم التواریخ - به اهتمام محمد مشیری - تهران - انتشارات امیرکبیر - ۱۳۵۲ - ص ۷۸ - ۷۹
- ۲۸ - رستم التواریخ ص ۲۱۱ : و سردر هزار جریب و شهر فرح آباد و قصر جهان آرای جهانشاهی و بهشت آئین شاه سلطان حسینی را خراب نمود (عبدالله خان حاکم اصفهان در زمان فتحعلی شاه پسر حاجی محمد حسین صدراصفهانی)
- ۲۹ - ۱۰۰۶ ه . ق .
- ۳۰ - اسکندر بیک ترکمان - عالم آرای عباسی - جلد اول - تهران - انتشارات امیرکبیر با همکاری کتابخانه تایید اصفهان - ۱۳۵۰ - ص ۵۴۴
- ۳۱ - منظور اسکندر بیک ترکمان است .

- ۳۲- در اینجا گالدیری دچار اشتباه شده زیرا این تاریخ در کتاب عالم آرای عباسی ثمان والف یعنی ۱۰۵۸ ذکر شده است .
- ۳۳- گالدیری ، اوژینو- عالیقاو - ترجمه عبدالله جیل عاملی - (ترجمه زیر چاپ) - ص ۸
- ۳۴- ۱۰۵۸ هجری قمری
- ۳۵- عالم آرای عباسی - ص ۵۸۹ ، ۵۹۰
- ۳۶- عالیقاو - ص ۱۰
- ۳۷- عالیقاو
- ۳۸- ۹۰۸ هجری قمری
- ۳۹- ۹۱۹ هجری قمری
- ۴۰- حسن بیک روملو - احسن التواریخ - به تصحیح عبدالحسین نوایی - تهران - انتشارات بانک - ۱۳۵۷- ص ۱۸۲
- ۴۱- احسن التواریخ - ص ۱۸۶
- ۴۲- ۹۲۶ هجری قمری
- ۴۳- احسن التواریخ - ص ۲۲۱
- ۴۴- عالم آرای شاه اسماعیل - با مقدمه و تصحیح احمد منتظر صاحب - تهران - بنگاه ترجمه و نشر کتاب - ۱۳۴۹ ص ۴۶۰
- ۴۵- محمد مهدی بن محمدرضا الاصفهانی - نصف جهان فی تعریف الاصفهان - به تصحیح و تحشیه منوچهر ستوده - تهران - انتشارات امیرکبیر با همکاری کتابخانه تأیید اصفهان - ۱۳۴۰ - ص ۴۰
- ۴۶- این درب احتمالاً " همان هشتی است که در هنگام استفاده تالار تیموری بعنوان باشگاه افسران بصورت آبدارخانه درآمده است .
- ۴۷- شاردن ، شوالیه ژان - سیاحتنامه شاردن - جلد هفتم - ترجمه محمد عباسی - تهران - انتشارات امیرکبیر - ۱۳۴۵ - ص ۱۷۸
- ۴۸- احیاء الملوک - ص ۵۲۳
- ۴۹- منیورسکی - سازمان اداری حکومت صفوی - ترجمه مسعود رجب نیا - تهران - انجمن کتاب - ۱۳۴۴ ص ۱۳۶ .
- ۵۰- کمپفر ، انگلبرت - در دربار شاهنشاه ایران - ترجمه کیکاووس جهاندار - تهران - انجمن آثار ملی - ۱۳۵۰ - ص ۲۰۱
- ۵۱- تذکره الملوک - بکوشش محمود دبیر سیاقی - تهران - انتشارات کتابفروشی طهوری ۱۳۳۲ - ص ۳۶
- ۵۲- برای آگاهی بیشتر ر . ک . تذکره الملوک - ص ۳۶ تا ۴۴ و سیاحتنامه شاردن - ج ۸ - ص ۳۱۰ تا ۳۲۳
- ۵۳- سیاحتنامه شاردن - ج ۷ - ص ۱۰۶
- ۵۴- گیلانتز ، پطرس دی سرکیس - سقوط اصفهان (گزارشهای پطرس دی سرکیس گیلانتز) - ترجمه محمد مهربار - اصفهان - کتابفروشی شهریار - ۱۳۴۴ - ص ۶۴ و ر . ک
- باستانی پاریزی ، محمد ابراهیم - سیاست و اقتصاد عصر صفوی - تهران - انتشارات صفی علیشاه ۱۳۴۸ - ص ۳۵۱ و ر . ک

کلهارت ، لارنس - انقراض سلسله صفویه وایام استیلای افغانه درایران - ترجمه مصطفی قلی عماد تهران - ۱۳۴۳ -
ص ۲۰۱

۵۵- در اینجا رستم الحکما اشتباه قبل خود را تکرار کرده و جهانشاه قره قویونلوو نواده تیمور یعنی رستم بن عمر شیخ
را یکی دانسته است .

۵۶- رستم التواریخ - ص ۱۶۳

۵۷- رستم التواریخ - ص ۱۶۴

۵۸- سیاست و اقتصاد عصر صفوی - ص ۳۵۱

۵۹- رستم التواریخ - ص ۲۱۰

۶۰- احتمالاً " این درب بسوی تالار سربوشیده که توسط خود سیف الدوله فرزند فتحعلی شاه بنا شده بود ، باز میشده
است برای اطلاع بیشتر ر . ک .

فلاندن ، اوژن - سفرنامه اوژن فلاندن به ایران - ترجمه حسین نور صادقی - تهران انتشارات اشراقی - ۱۳۵۶ -
ص ۲۴۶

۶۱- نصف جهان فی تعریف الاصفهان - ص ۴۰

۶۲- میرزا حسین خان پسر محمد ابراهیم خان تحویلدار اصفهان - جغرافیای اصفهان - بکوشش منوچهر ستوده - دانشگاه
تهران - ۱۳۴۲ - ص ۲۳

۶۳- سپهر ، میرزا محمد تقی خان لسان الملک - ناسخ التواریخ سلاطین قاجار - جلد چهارم - به تصحیح محمد باقر
بهبودی - تهران - انتشارات کتابفروشی اسلامیة - ۱۳۵۳ - ص ۳۷۰

۶۴- اعتماد السلطنه ، محمد حسن خان - المآثر و الاثار - تهران - انتشارات سنائی (چاپ سنگی) - ص ۶۰ : تعمیر
ابنیه دیوانی اصفهان سال مسافرت موکب همایونی باصفهان - و ص ۶۴ : تعمیر عمارات دیوانی اصفهان .

۶۵- این تاریخ بر روی لوحه‌ای بالای سردر عالیقاپو بشرح زیر می باشد :

هو الله - ناصر الدین شاه قاجار

در زمان ناصرالدین شاه قیصر پاسبان

باده دولت بجامش تا در آید آفتاب

شده تعمیر عالی قاپو جهان رشگ جنان

سکه شاهی بنامش تا بگردد آسمان

السلطان بن السلطان

۱۲۷۴

گنچینه آثار ملی اصفهان - ص ۴۲۶

۶۶- آثار ملی اصفهان - ص ۳۸۸

۶۷- نور صادقی ، حسین - اصفهان - شرکت مطبوعات - تهران - ص ۷۰ - ۷۱

۶۸- آثار ملی اصفهان - ص ۳۸۶

۶۹- دیماند ، م . س - راهنمای صنایع اسلامی - ترجمه عبدالله فریار - تهران - بنگاه ترجمه و نشر کتاب - ۱۳۳۶

ص ۱۹۶

۷۰- راهنمای صنایع اسلامی - ص ۱۹۶

71-Fehervari;Geza- Islamic Pottery-London-Faber and Faber Limited- 1973- P.12°

72-Grube,Ernest. Islamic Pottery, London, Faber and Faber Limited, 1876,P.292

73-Kiani,M.Y., A Collection of IRANIAN Islamic Art,Tehran Reza Abbasi culture and art centure, 1977,P.?

74- A Collection of IRANIAN Islamic Art, P.?

75- Islamic Pottery, P.292

۷۶- خلاصه شده از مقاله نگاهی به سفال مدرسه دودر- بقراط نادری- شماره ۳۵ ماهنگامه آگاهینامه - تهران - سازمان ملی

حفاظت آثار باستانی ایران - ۱۳۵۷ - ص ۲۵ و ۲۶

۷۷- نگاهی به سفال مدرسه دودر - ص ۲۵

۷۸- در اینجا بایستی تشکر خود را نسبت به راهنمایی آقای حسین آقاچانی در مورد نمونه این انگشتر در تابلوی

چهلستون ابراز دارم .

۷۹- در اینجا لازمست از آقایان دکتر باقرآیت الله زاده شیرازی و دکتر محمد یوسف کیانی برای راهنماییهایشان ،

مهندس لطف الله سمسارزاده برای کشیدن طرحها و نقشه ها ، جعفر تال بلاغی برای مساعدت در کاوش بنا ، مصطفی

مصطفی پور برای چاپ عکسها و یدالله قورچانی بخاطر ترسیم نقشه کاوشها و نیز خانم آیدا ایوازبالیان تشکر بسیار نمایم .

فهرست منابع و ماخذ

۱- آربری ، اچ

تاریخنگاری در ایران - مقاله تاریخنگاری عهد تیموری - ترجمه یعقوب آژند - تهران - نشر گستر - ۱۳۶۰

۲- آصف ، محمد هاشم (رستم الحکما)

رستم التواریخ - به اهتمام محمد مشیری - تهران - انتشارات امیرکبیر - ۱۳۵۲

۳- ابن عربشاه

زندگانی شگفت آور تیمور (ترجمه کتاب عجایب المقدور فی اخبار تیمور) - ترجمه محمد علی نجاتی - تهران - بنگاه ترجمه

و نشر کتاب - ۱۳۵۶

۴- اسکندربیک ترکمان

- عالم‌آرای عباسی - تهران - انتشارات امیرکبیر با همکاری کتابخانه تایید اصفهان - ۱۳۵۰
- ۵- اعتماد السلطنه ، محمدحسن خان
المآثر والآثار - تهران - انتشارات سنائی (چاپ سنگی)
- ۶- اصفهانی ، محمد مهدی بن محمدرضا
نصف جهان فی تعریف اصفهان - به تصحیح و تحشیه منوچهر سنوده - تهران - انتشارات امیرکبیر با همکاری کتابخانه تایید اصفهان - ۱۳۴۰
- ۷- باستانی پاریزی ، محمد ابراهیم
سیاست و اقتصاد عصر صفوی - تهران - انتشارات صفی علیشاه - ۱۳۴۸
- ۸- پوپ ، آرتور اپام
شاهکارهای هنر ایران - ترجمه پرویز ناتل خانلری - تهران - انتشارات فرانکلین - ۱۹۴۵
- ۹- تذکره الملوک - بکوشش محمد دبیرسیاقی - تهران - انتشارات کتابفروشی طهوری ۱۳۳۲
- ۱۰- جابری انصاری ، حاج میرزا حسن
تاریخ ری و اصفهان و همه جهان - تهران - انتشارات روزنامه خرد - ۱۳۲۱
- ۱۱- حسین ، زکی محمد
صنایع ایران بعد از اسلام - ترجمه محمد علی خلیلی - تهران - کتابفروشی و چاپخانه اقبال - ۱۳۲۰
- ۱۲- حسین فسائی ، حاج میرزا حسن
تاریخ فارسنامه ناصری - تهران - انتشارات سنائی (چاپ سنگی)
- ۱۳- خواندمیر ، غیاث الدین بن همام الدین الحسینی
حبیب السیر - به کوشش محمد دبیرسیاقی - تهران - انتشارات خیام - ۱۳۵۳
- ۱۴- دیماند ، م . س
راهنمای صنایع اسلامی - ترجمه عبدالله فریار - تهران - بنگاه ترجمه و نشر کتاب - ۱۳۳۶
- ۱۵- راوندی ، مرتضی
تاریخ اجتماعی ایران - تهران - انتشارات امیرکبیر - ۱۳۵۶
- ۱۶- رفیعی مهرآبادی ، ابوالقاسم
آثار ملی اصفهان - تهران - انجمن آثار ملی - سال ۱۳۵۲
- ۱۷- روملو ، حسن بیک
احسن التواریخ - به تصحیح عبدالحسین نوایی - تهران - انتشارات بابک - ۱۳۵۷
- ۱۸- سپهر ، میرزا محمدتقی خان لسان الملک
ناسخ التواریخ سلاطین قاجار - به تصحیح محمدباقر بهبودی - تهران - انتشارات اسلامیه ۱۳۵۳

- ۱۹- شاردن ، شوالیه ژان
- سیاحتنامه شاردن - ترجمه محمدعباسی - تهران - انتشارات امیرکبیر - ۱۳۴۵
- ۲۰- شفقی ، سیروس
- جغرافیای اصفهان - دانشگاه اصفهان - ۱۳۵۳
- ۲۱- عالم آرای شاه اسماعیل - با مقدمه و تصحیح احمد منتظر صاحب - تهران - بنگاه ترجمه و نشر کتاب - ۱۳۴۹
- ۲۲- فلاندن ، اوژن
- سفرنامه اژن فلاندن به ایران - ترجمه حسین نورصادقی - تهران - انتشارات اشرقی - ۱۳۴۹
- ۲۳- کمپفر ، انگلبرت
- در دربار شاهنشاه ایران - ترجمه کیکاووس جهاننداری - تهران - انجمن آثار ملی - ۱۳۵۰
- ۲۴- کونل ، ارنست
- هنر اسلامی - ترجمه هوشنگ طاهری - تهران - انتشارات توس - ۱۳۵۵
- ۲۵- کیانی ، محمدیوسف
- سفال اسلامی - گروه باستانشناسی - دانشکده ادبیات و علوم انسانی - دانشگاه تهران - ۱۳۵۳
- ۲۶- گالدیری ، اوژینو
- عالیقاپو - ترجمه عبدالله جبل عاملی (نسخه چاپ نشده)
- ۲۷- گدار ، آندره
- آثار ایران - ترجمه محمد تقی مصطفوی - تهران - انتشارات اداره باستانشناسی - ۱۳۱۸
- ۲۸- کیلاننتز ، پطرس دی سرکیس
- سقوط اصفهان (گزارشهای پطرس دی سرکیس کیلاننتز) ترجمه محمد مهریار - اصفهان - انتشارات شهریار - ۱۳۴۴
- ۲۹- لکهارت ، لارنس
- انقراض سلسله صفویه و ایام استیلای افغانه - ترجمه مصطفی قلی عماد - تهران - ۱۳۴۳
- ۳۰- مافروخی ، مفضل بن سعد بن حسین
- ترجمه محاسن اصفهان - ترجمه حسین بن محمد بن ابی الرضا آوی - با اهتمام عباس اقبال - انتشارات مجله یادگار - ۱۲۳۸
- ۳۱- ملکشاه حسین بن ملک غیاث الدین بن محمود شاه سیستانی
- احیاء الملوک - به اهتمام منوچهر ستوده - تهران - بنگاه ترجمه و نشر کتاب - ۱۳۴۴
- ۳۲- میرزا حسین خان پسر محمد ابراهیم خان تحویلدار اصفهان
- جغرافیای اصفهان - به کوشش منوچهر ستوده - دانشگاه تهران - ۱۳۴۲
- ۳۳- مینورسکی
- سازمان اداری حکومت صفوی - ترجمه مسعود رجب نیا - تهران - انجمن کتاب - ۱۳۴۴

- ۳۴- نادری ، بقراط
نگاهی به سفال مدرسه دودر- ماهنامه آگاهی نامه شماره ۳۵- تهران - سازمان ملی حفاظت آثار باستانی - ۱۳۵۷
- ۳۵- نورصادقی ، حسین
اصفهان - تهران - انتشارات ؟ - ۳۱۶
- ۳۶- ویلبر ، دونالد
باغهای ایران و کوشکهای آن - ترجمه مهین دخت صبا- تهران - بنگاه ترجمه و نشر کتاب - ۱۳۴۸
- ۳۷- هنر فر ، لطف الله
گنجینه آثار تاریخی اصفهان - اصفهان - انتشارات ثقی - ۱۳۵۰
- ۳۸- یزدی ، مولانا شرف الدین علی
ظفرنامه - به تصحیح و اهتمام محمد عباسی - تهران - انتشارات امیرکبیر - ۱۳۳۶

فهرست منابع خارجی

- 1- Fehervari, Geza
Islamic Pottery, A Comprehensive study based on the BARLOW collection, London, Faber and Faber Limited, 1973
- 2- Grube; Ernest
Islamic Pottery, of the eighth to fifteenth century in the KEIR collection, London, Faber and Faber limited; 1976
- 3- Kiani, Mohamad, Yosoph
A Collection of IRANIAN Islamic Art, the 9th through the 19th century A.D. Tehran- Catalouge of the Reza Abbasi culture and art centure, 1977
- 4- Yoshida, Mitsukuni
Persian Pottery, Translated by John.M.Shields, New York, Tokyo weather Hill, 1972
- 5- Iranian Studies 11 Slucties on Isfahan summer autumn 1972
Boston